

Investigating the Effect of Quadruple Variables of Client Characteristics on Audit Fees

Mohammad Hussein Setayesh ^{ib}*, Pedram Azizi ^{ib}**

Fatemeh Moghimi^{ib}***

Abstract

The purpose of this study is to investigate the effect of comparability of financial statements, financing constraints, cash holdings and debt-based capital structure as characteristics of the employer (firm) on audit fees.

The research period is from 2011 to 2021 and the statistical sample consists of 119 companies listed on the Tehran Stock Exchange. The findings showed that the comparability of financial statements, financing constraints, capital structure based on Debt and cash holding with statistics are significantly negatively, positively, positively and positively related to audit fee, respectively. The results of the study indicate that by increasing the comparability of financial statements, the costs of obtaining and reviewing information and the need to make adjustments in information are reduced and lead to a reduction in audit fees. Financing constraints prevent companies from providing resources for desirable investments, and such a deterrent increases the risk of the client company, leading to more auditor effort and ultimately higher audit costs. The reason why the cash is kept requires a high degree of transparency, which all stakeholders in companies want to clarify. Therefore, this increases the workload of the auditor and increases the cost. The higher the ratio of debt-based capital structure, the greater the control of external creditors and suppliers over owners. Therefore, by increasing this ratio, outsiders demand more transparency, accuracy and seriousness of audit work, which will lead to an increase in auditors' fees.

Keywords: Audit Fee, Debt-Based Capital Structure, Comparison of Financial Statements, Financing Constraints, Cash Holding

* Full Professor, Department of Accountancy, Faculty of Economics, Management and Social Sciences, Shiraz University, Shiraz, Iran

** Corresponding Author: PH.D. Candidate in Accountancy, Faculty of Economics, Management and Social Sciences, Shiraz University, Shiraz, Iran

*** PH.D. Candidate in Accountancy, Faculty of Economics, Management and Social Sciences, Shiraz University, Shiraz, Iran

This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the

Creative Commons Attribution Non-Commercial (CC-BY-NC) license.





نشریه

«پژوهش‌های راهبردی بودجه و مالیه»

(سال دوم، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۰: ۸۶ - ۴۳)

شاپا چاپی: ۱۸۰۹ - ۲۷۱۷
شاپا الکترونیکی: ۱۹۹۸ - ۲۷۱۷

بررسی تأثیر متغیرهای چهارگانه ویژگی‌های صاحب کار بر حق الزحمه حسابرسی

محمدحسین ستایش*، پدram عزیزى**، فاطمه مقیمی***

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۱۰

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، محدودیت تأمین مالی، نگهداشت وجه نقد و ساختار سرمایه مبتنی بر بدهی به‌عنوان ویژگی‌های صاحب کار بر حق‌الزحمه حسابرسی است. در پژوهش حاضر با استفاده از روش رگرسیون چهار فرضیه سنجیده شد. دوره پژوهش از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ و نمونه آماری متشکل از ۱۱۹ شرکت (۱۰۷۱ شرکت - سال) پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. یافته‌ها نشان داد که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، محدودیت تأمین مالی، ساختار سرمایه مبتنی بر بدهی و نگهداشت وجه نقد به ترتیب با حق‌الزحمه حسابرسی به طور معناداری ارتباط منفی، مثبت، مثبت و مثبت دارند؛ بنابراین، نتایج پژوهش حاکی از آن است که با افزایش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی هزینه‌های کسب و بررسی اطلاعات و نیاز به انجام تعديلات در اطلاعات کاهش می‌یابد و منجر به کاهش حق‌الزحمه حسابرسی می‌شود. محدودیت‌های تأمین مالی، شرکت‌ها را از تأمین منابع برای سرمایه‌گذاری‌های مطلوب باز می‌دارد و چنین قدرت بازدارندگی ریسک شرکت صاحب کار را بالا می‌برد و منجر به تلاش بیشتر حسابرس و در نهایت هزینه‌های حسابرسی بیشتر می‌شود. اینکه به چه دلیل وجه نقد نگهداری شده، نیاز به شفافیت بالایی دارد که کلیه افراد ذینفع در شرکت‌ها خواستار روشن شدن این موضوع می‌باشند. لذا این موضوع باعث افزایش حجم کار حسابرس و حق‌الزحمه بیشتر می‌شود. هر چقدر نسبت ساختار سرمایه مبتنی بر بدهی بیشتر شود، نشان از کنترل بیشتر اعتباردهندگان و تأمین‌کنندگان برون‌سازمانی نسبت به مالکان می‌باشد. لذا، با افزایش این نسبت افراد برون‌سازمانی خواستار شفافیت و دقت بیشتر و جدیت کار حسابرسی شده که این امر منجر به افزایش حق‌الزحمه حسابرسان خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: حق‌الزحمه حسابرسی؛ ساختار سرمایه مبتنی بر بدهی؛ قابلیت مقایسه صورت‌های مالی؛ محدودیت

تأمین مالی؛ نگهداشت وجه نقد.

طبقه‌بندی JEL: M42, M41, G11

* استاد، حسابداری، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

** نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری حسابداری، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

Pedram8432@gmail.com

*** دانشجوی دکتری حسابداری، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

این مقاله یک مقاله با دسترسی آزاد است که تحت شرایط و ضوابط مجوز CC BY-NC (Creative Commons Attribution Non-Commercial) توزیع شده است.



مقدمه

تقاضا برای خدمات حسابرسی مستقل، از تضاد منافع میان مالکان و مدیران ناشی می‌شود (دی‌آنجلو^۱، ۱۹۸۱؛ کاکس^۲، ۲۰۰۳؛ سجادی و همکاران، ۱۳۹۵). شرکت‌ها متعلق به سهامداران مختلف می‌باشند اما عملیات روزانه شرکت توسط مدیران حرفه‌ای که ممکن است سهم قابل ملاحظه‌ای در شرکت نداشته باشند، اداره می‌شوند (داویس و تامپسون^۳، ۱۹۹۴). این بدان معنی است که سهامداران شرکت، یک ادعای باقیمانده نسبت به منابع شرکت دارند و مدیران شرکت مجبور هستند نتیجه نظارت خود بر منابع شرکت را از طریق انتشار مجموعه‌ای از صورت‌های مالی به اطلاع سهامداران برسانند (فرمان‌آرا، ۱۳۹۷). به منظور اطمینان نسبت به قابل اتکا بودن اطلاعات مالی منتشر شده توسط شرکت، نیاز است تا صورت‌های مالی توسط حسابرس مستقل گواهی شود (آکولی^۴، ۲۰۱۴). طبق تئوری نمایندگی، وجود حسابرسی به دلیل عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و صاحبکاران الزامی است، چون صاحبکاران و ذی‌نفعان به هنگام تصمیم‌گیری به تمامی اطلاعات موجود دسترسی ندارند و تعیین چگونگی عملکرد مدیران در جهت حداکثرسازی منافع صاحب کار غیرممکن است (دی‌آنجلو، ۱۹۸۱). علاوه بر این، مدیران نیز برای تسهیم بهینه منابع در بازارهای سرمایه، نیاز به کسب اطلاعات مالی قابل اعتماد برای تصمیم‌گیری دارند و این در حالی است که ماهیت حسابرسی می‌تواند کیفیت اطلاعات مالی را افزایش دهد و مبنای مناسب‌تری را برای تصمیم‌های سرمایه‌گذاران به ارمغان آورد. این وضعیت باعث ایجاد تقاضا برای اطلاعات باکیفیت‌تر می‌شود (صالحی و بقایی نژاد، ۱۳۹۴).

اما از طرفی کاهش مقررات در بازار کار حسابرسی، مؤسسات حسابرسی را به سوی اهداف اقتصادی بیشتر سوق داده است؛ به نحوی که این مؤسسات بیش‌ازپیش در جستجوی رشد درآمد خود از طریق افزایش حق‌الزحمه حسابرسی و کاهش هزینه‌ها در هر کار حسابرسی می‌باشند

1. DeAngelo
2. Cox
3. Davis & Thompson
4. Okolie

(دی‌فوند و ژانگ^۱، ۲۰۱۴). حق‌الزحمه حسابرسی می‌تواند تحت تأثیر ویژگی‌های موسسه حسابرسی و ویژگی‌های صاحب‌کار یا شرکتی که از موسسه حسابرسی دعوت به عمل می‌آورد، قرار گیرد (دوی^۲ و همکاران، ۲۰۲۱، چو^۳ و همکاران، ۲۰۲۱) بنابراین، ویژگی‌های صاحب‌کار از اهمیت بالایی برخوردار است و می‌تواند به‌عنوان عامل مهمی در تعیین حق‌الزحمه حسابرسی تلقی گردد و توجه محققان را به بررسی این ویژگی‌های تأثیرگذار جلب نماید (کاهن^۴ و همکاران، ۲۰۰۸). بررسی عوامل تأثیرگذار بر حق‌الزحمه حسابرسی از اهمیت زیادی برخوردار است؛ زیرا عدم توجه به این عوامل و قیمت‌گذاری حسابرسی به‌عنوان یک کالای همگن و غیررقابتی می‌تواند تأثیرات منفی بر استقلال و کیفیت کار حسابرسی بگذارد (وانگ^۵ و همکاران، ۲۰۲۱؛ مهرانی و جمشیدی‌اوانکی، ۱۳۹۰).

در پژوهش حاضر از چهار متغیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، محدودیت تأمین مالی، میزان نگهداشت وجه نقد و ساختار سرمایه مبتنی بر بدهی به‌عنوان ویژگی‌های صاحب‌کار استفاده شده است. قابلیت مقایسه صورت‌های مالی یکی از ویژگی‌های کیفی ارتقادهنده کیفیت به‌شمار می‌رود و استفاده‌کنندگان را قادر به شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌های بین دو مجموعه از پدیده‌های اقتصادی می‌سازد (حیب و همکاران، ۲۰۱۷؛ فروغی و قاسم‌زاد، ۱۳۹۵). با افزایش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی هزینه‌های کسب و بررسی اطلاعات کاهش می‌یابد (هوسوالد و مارکوز^۶، ۲۰۰۶) و ممکن است بر حق‌الزحمه حسابرسی تأثیرگذار باشد. لذا یکی از سؤال‌های اصلی پژوهش بدین نحو مطرح می‌گردد که آیا سطح بالایی از قابلیت مقایسه صورت‌های مالی می‌تواند کاهش حق‌الزحمه حسابرسی را به دنبال داشته باشد یا خیر؟

محدودیت‌های تأمین مالی به‌عنوان ویژگی دوم صاحب‌کار، از دلایلی از قبیل محدودیت‌های اعتباری، عدم توانایی در گرفتن وام، عدم توانایی در انتشار سهام، اتکا به وام‌های بانکی و

1. DeFond & Zhang
2. Dewi
3. Cho
4. Cahan
5. Wang
6. Hauswald & Marquez

نقدشوندگی پایین دارایی‌ها ناشی می‌شود و شرکت‌ها را از تأمین منابع برای سرمایه‌گذاری‌های مطلوب باز می‌دارد (بنجامین^۱، ۲۰۱۹). چنین قدرت بازدارندگی ریسک شرکت صاحب‌کار را بالا می‌برد (ویتد و وو^۲، ۲۰۰۶) و می‌تواند منجر به تلاش بیشتر حسابرس و در نهایت هزینه‌های حسابرسی بیشتر را به دنبال داشته باشد؛ بنابراین، سؤال اصلی دوم پژوهش بدین شرح مطرح می‌گردد که آیا محدودیت‌های تأمین مالی می‌تواند باعث افزایش حجم کار حسابرسی و افزایش حق‌الزحمه حسابرس شود یا خیر؟

همچنین، وجوه نقد به‌عنوان ویژگی دیگر صاحب‌کار، از منابع مهم و حیاتی واحد اقتصادی است که باعث شده نظارت و کنترل شدیدی همچون موجودی‌های مواد و کالا بر وجه نقد نیز صورت گیرد (هارفورد^۳ و همکاران، ۲۰۰۸). ایجاد توازن بین وجوه نقد موجود و نیازهای نقدی یکی از مهم‌ترین عوامل سلامت اقتصادی واحدهای تجاری و تداوم فعالیت آن‌هاست (ثقفی و هاشمی، ۱۳۸۳؛ عظیمی و شاه‌محمدی، ۱۳۹۳). راهبرد میزان نگهداشت وجه نقد می‌تواند آینده و سرنوشت شرکت‌ها را تعیین کند. افزایش میزان نگهداشت وجه نقد ممکن است منجر به افزایش هزینه‌های نمایندگی شود (دیتمار^۴ و همکاران، ۲۰۰۳) و سؤال اصلی دیگر پژوهش بر این مبنا مطرح می‌گردد که آیا افزایش میزان نگهداشت وجه نقد و به سبب آن افزایش هزینه‌های نمایندگی می‌تواند باعث افزایش حجم کار حسابرسی و افزایش حق‌الزحمه حسابرس شود یا خیر؟

علاوه بر این، ساختار سرمایه مبتنی بر بدهی به‌عنوان آخرین ویژگی صاحب‌کار حاکی از استفاده بیشتر مدیران از بدهی (وام) در تقابل با انتشار سهام در تأمین مالی است که این امر موجب ایجاد میزان قابل توجهی هزینه ثابت، افزایش اهرم مالی و در نتیجه افزایش ریسک شرکت‌ها می‌شود (ازکان^۵، ۲۰۰۴؛ لپسون و مورتال^۶، ۲۰۰۹). لذا، آخرین سؤال پژوهش در این راستا مطرح

1. Benjamin
2. Whited & Wu
3. Harford
4. Dittmar
5. Ozkan
6. Lipson

می‌شود که آیا ساختار سرمایه مبتنی بر بدهی، حجم کار حسابرسی و به تبع آن حق الزحمه حسابرسی را افزایش می‌دهد یا خیر؟ به عبارتی آیا افزایش بدهی‌ها در ساختار مالکیت نسبت به آورده صاحبان سهام باعث می‌گردد که اعتباردهندگان و تأمین‌کنندگان برون‌سازمانی که تملک قدرت بیشتری به دست آورده و منافع آن‌ها نیز با مدیران در تضاد است خواستار کسب شفافیت بیشتر در عملیات و فعالیت‌های شرکت توسط حسابرس مستقل هستند یا خیر؟

از این رو با توجه به توضیحات فوق و ضرورت در شناسایی عوامل مؤثر بر افزایش حق الزحمه حسابرسی، در راستای پاسخگویی به سؤال‌ها و فرضیه‌های پژوهش به بررسی تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، محدودیت‌های تأمین مالی، نگهداشت وجه نقد و ساختار سرمایه مبتنی بر بدهی بر حق الزحمه حسابرسی پرداخته خواهد شد. هرچند که در پژوهش‌هایی همچون سجادی و زارعی (۱۳۸۶) تأثیر ویژگی‌های موسسه حسابرسی و صاحب‌کار بر حق الزحمه حسابرسی، واعظ و همکاران (۱۳۹۳) تأثیر کیفیت حسابرسی بر حق الزحمه حسابرسی، سعیدی و علی‌خانی (۱۳۹۸) تأثیر ویژگی‌های موسسه حسابرسی بر حق الزحمه حسابرسی بررسی شده است اما هیچ‌کدام تأثیر همزمان قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، محدودیت‌های تأمین مالی، نگهداشت وجه نقد و ساختار سرمایه مبتنی بر بدهی بر حق الزحمه حسابرسی را بررسی ننموده‌اند. یافته‌های پژوهش حاضر نتایجی را نشان می‌دهد که در پژوهش‌های پیشین به آن اشاره‌ای نشده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که با افزایش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی هزینه‌های کسب و بررسی اطلاعات و نیاز به انجام تعدیلات در اطلاعات کاهش می‌یابد و منجر به کاهش حق الزحمه حسابرسی می‌شود. محدودیت‌های تأمین مالی، شرکت‌ها را از تأمین منابع برای سرمایه‌گذاری‌های مطلوب باز می‌دارد و چنین قدرت بازدارندگی ریسک شرکت صاحب‌کار را بالا می‌برد و منجر به تلاش بیشتر حسابرس و در نهایت هزینه‌های حسابرسی بیشتر می‌شود. اینکه به چه دلیل وجه نقد نگهداری شده، نیاز به شفافیت بالایی دارد که کلیه افراد ذینفع در شرکت‌ها خواستار روشن شدن این موضوع می‌باشند. لذا این موضوع باعث افزایش حجم کار حسابرس و حق الزحمه بیشتر می‌شود. هر چقدر نسبت ساختار سرمایه مبتنی بر بدهی بیشتر شود، نشان از کنترل بیشتر

اعتباردهندگان و تأمین‌کنندگان برون‌سازمانی نسبت به مالکان می‌باشد. لذا، با افزایش این نسبت افراد برون‌سازمانی خواستار شفافیت و دقت بیشتر و جدیت کار حسابرسی شده که این امر منجر به افزایش حق‌الزحمه حسابرسان خواهد شد؛ بنابراین، دستاورد و نوآوری پژوهش حاضر، افزایش دانش مخاطبین در زمینه تأثیر برخی از ویژگی‌های صاحب‌کار بر حق‌الزحمه حسابرسی، همراه با یافته‌های تجربی و مستند از موضوع، در بازار سرمایه ایران خواهد بود. نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند نقش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، محدودیت‌های تأمین مالی، نگهداشت وجه نقد و ساختار سرمایه مبتنی بر بدهی بر حق‌الزحمه حسابرسی را به خوبی روشن سازد. در ادامه نیز در بخش مبانی نظری ابتدا، در مورد حق‌الزحمه حسابرسی، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، محدودیت‌های تأمین مالی، نگهداشت وجه نقد و ساختار سرمایه مبتنی بر بدهی و نحوه ارتباط این متغیرها بحث می‌گردد. سپس، پیشنهادی از پژوهش ارائه می‌گردد. در ادامه، روش و الگوهای پژوهش تشریح شده و یافته‌های تجربی آزمون فرضیه‌ها، مطرح می‌گردد. در نهایت، با توجه به نتایج آزمون فرضیه‌ها، بحث و نتیجه‌گیری، پیشنهادها و محدودیت‌های مطالعه، ارائه خواهد شد.

پیشینه پژوهش

پیشینه نظری

حق‌الزحمه حسابرسی

جدایی مدیریت از مالکیت یک واحد تجاری باعث می‌شود تا سرمایه‌گذاران نتوانند آن طور که باید و شاید به اطلاعات داخل شرکت دسترسی داشته باشند (جنسن و مک‌لین^۱، ۱۹۷۶). درعین حال وجود تضاد منافع بین مدیران و مالکان در بسیاری از مواقع باعث می‌شود تا مدیریت از اختیارات خود جهت ارائه اطلاعات مالی دستکاری شده استفاده کند. این امر باعث به وجود آمدن حسابرسی شده است (مهدوی و دهقانی، ۱۳۹۵). منافع اقتصادی حسابرس از طریق پرداخت

1. Jensen & Meckling

حق‌الزحمه‌ای تأمین می‌شود که از انعقاد قرارداد با صاحبکاران عاید می‌گردد. مبلغ حق‌الزحمه خدمات حسابرسی، توسط حسابرس و با توجه به ارزیابی وی از حجم و ریسک کار حسابرسی تعیین می‌گردد (ساندر^۱، ۱۹۹۷؛ صالحی و همکاران، ۱۳۹۵). افزایش رقابت جهانی و فشارهای رکود اقتصادی باعث شده به رابطه خدمات حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرسی توجه بیش‌تری شود. (صالحی و همکاران، ۲۰۱۹؛ بیسواس^۲، ۲۰۲۱؛ چانگ^۳ و همکاران، ۲۰۱۸). بر این اساس، هزینه‌های نمایندگی به لحاظ نظری می‌تواند از طریق افزایش ریسک، حجم و پیچیدگی عملیات واحدهای مورد رسیدگی بر قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی اثری فزاینده داشته باشد (عبادی و نظری، ۱۳۹۳).

پژوهش‌های انجام شده در کشورهای گوناگون که سعی در بررسی عوامل اثرگذار بر نحوه قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی داشته‌اند، متغیرهای مستقل متفاوتی را به‌عنوان عامل مؤثر بر تغییرات حق‌الزحمه خدمات حسابرسی ارائه کرده‌اند (منون و ویلیامز^۴، ۲۰۰۱). ویژگی‌های واحد مورد رسیدگی (صاحب‌کار) از مهم‌ترین متغیرهای مستقلی است که حول سه محور اصلی ریسک، حجم و پیچیدگی عملیات آن واحد، می‌تواند بر حجم فعالیت حسابرس و در نتیجه حق‌الزحمه خدمات حسابرسی اثرگذار باشد. بر این اساس می‌توان در مطالعه قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی و تعیین حق‌الزحمه، این سه عامل توصیفی را در نظر گرفت (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۷؛ استاندارد بین‌المللی حسابرسی^۵، ۲۰۱۰). در این راستا در پژوهش حاضر از چهار متغیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، محدودیت تأمین مالی، میزان نگهداشت وجه نقد و ساختار سرمایه مبتنی بر بدهی به‌عنوان ویژگی‌های صاحب‌کار استفاده شده است که در ادامه به تشریح این متغیرها و نحوه ارتباط نظری آن‌ها با حق‌الزحمه حسابرسی پرداخته می‌شود.

-
1. Sunder
 2. Biswas
 3. Chang
 4. Menon & Williams
 5. IAS

قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و حق الزحمه حسابرسی

در استانداردهای حسابداری ایران همانند پروژه مشترک چارچوب نظری هیئت استانداردهای حسابداری مالی و هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی بر قابلیت مقایسه به‌عنوان یکی از ویژگی‌های اصلی اطلاعات مالی سودمند، تأکید شده است (کمیته تدوین سازمان حسابرسی، ۱۳۹۲؛ هیئت استانداردهای حسابداری مالی^۱، ۲۰۱۰؛ رهنمای رودپشتی و همکاران، ۱۳۹۴). قابل مقایسه بودن یکنواختی نیست. چیزهای مشابه باید مشابه و چیزهای متفاوت باید متفاوت به نظر برسند و تأکید بیش‌ازاندازه بر یکنواختی می‌تواند قابلیت مقایسه را کاهش دهد (هیئت استانداردهای حسابداری مالی، ۲۰۱۰؛ هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی^۲، ۲۰۱۰ و مهرورز، ۱۳۹۳). کمیسیون بورس و اوراق بهادار^۳ در سال ۲۰۰۰ بیان می‌کند که توجه به ویژگی قابلیت مقایسه، هنگام تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران در خصوص فرصت‌های سرمایه‌گذاری جایگزین و تخصیص بهینه منابع مشخص خواهد شد.

پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد که سطح بالایی از قابلیت مقایسه صورت‌های مالی سبب کاهش هزینه کسب و پردازش اطلاعات (دی‌فرانکو^۴ و همکاران، ۲۰۱۱)، افزایش کیفیت اطلاعات در دسترس و در نتیجه آن، افزایش پوشش و دقت پیش‌بینی تحلیل‌گران و کاهش پراکندگی پیش‌بینی آن‌ها (هورتن^۵ و همکاران، ۲۰۱۳؛ لانگ^۶ و همکاران، ۲۰۱۰)، کاهش عدم‌اطمینان مشارکت‌کنندگان بازار بدهی نسبت به ریسک اعتباری شرکت‌ها و ازاین‌رو کاهش هزینه بدهی شرکت‌های مذکور (کیم و همکاران، ۲۰۱۳؛ مهرورز، ۱۳۹۳)، کاهش عدم‌اطمینان مربوط به ارزیابی عملکرد و افزایش کمیت و کیفیت کلی اطلاعات در دسترس تحلیل‌گران و حسابرسان شرکت می‌شود (دی‌فرانکو و همکاران، ۲۰۱۱؛ پترسون^۷ و همکاران، ۲۰۱۵؛ حیب و

1. Financial Accounting Standards Board (FASB)
2. International Accounting Standards Board (IASB)
3. SEC
4. De Franco
5. Horton
6. Lang
7. Peterson

همکاران، ۲۰۱۷) می‌شود؛ بنابراین، افزایش کیفیت و کاهش هزینه‌های کسب اطلاعات می‌تواند منجر به کاهش حق الزحمه حسابرسی شود. به‌طور کلی، قابلیت مقایسه بیشتر موجب می‌شود تا به هنگام انجام مقایسه و تجزیه و تحلیل اطلاعات مالی شرکت‌ها، نیاز به انجام تعدیلات در اطلاعات کاهش (فروغی و قاسم‌زاد، ۱۳۹۵؛ کیم و همکاران، ۲۰۱۵؛ دی فرانکو و همکاران، ۲۰۱۱) و حجم کار حسابرسی و حق الزحمه آن نیز کاهش یابد. لذا بر مبنای این استدلال، فرضیه اول پژوهش به صورت ذیل تدوین می‌گردد:

فرضیه اول: سطح بالای قابلیت مقایسه صورت‌های مالی به طور معناداری حق الزحمه حسابرسی را کاهش می‌دهد.

محدودیت‌های تأمین مالی و حق الزحمه حسابرسی

محدودیت‌های تأمین مالی وضعیتی است که نارسایی‌های مالی باعث می‌شود تا شرکت‌ها از بهترین سطح سرمایه‌گذاری خود منحرف شوند و در این صورت ناچار می‌شوند از فرصت‌های سرمایه‌گذاری با ارزش خود صرف نظر نمایند (هوآنگ و سان^۱، ۲۰۱۹). زمانی که شرکت‌ها با محدودیت مالی مواجه می‌شوند، علاوه بر ارزش بالقوه سرمایه‌گذاری، دسترس‌پذیری و هزینه تأمین مالی نیز تعیین‌کننده پروژه‌هایی خواهد بود که شرکت اجرا خواهد کرد (آلمیدا^۲ و همکاران ۲۰۰۴). شرکت‌های با محدودیت تأمین مالی برای جمع‌آوری وجوه با هزینه پایین، با مشکلاتی مواجه می‌شوند. استفاده از وجوه خارجی، یک چارچوب مناسب برای جدا کردن شرکت‌ها بر اساس میزان محدودیت مالی آنها است. وقتی که در یک شرکت تفاوت بین هزینه منابع داخلی و خارجی بالاست، آن شرکت از نظر تأمین مالی محدودیت بیشتری دارد. در حالت کلی، شرکت‌های بدون محدودیت مالی و یا با محدودیت مالی کمتر، آن‌هایی هستند که به‌طور نسبی از دارایی‌های با قابلیت نقدشوندگی بالا برخوردارند و خالص دارایی آن‌ها بالا است؛ بنابراین، منظور از محدودیت‌های مالی، محدودیت‌هایی است که مانع تأمین همه وجوه موردنیاز برای

1. Huang & Sun
2. Almeida

سرمایه‌گذاری‌های مطلوب برای شرکت‌ها می‌شود (کنعانی، ۱۳۸۶؛ سیفی کمارسغلی، ۱۳۹۵). محدودیت‌های تأمین مالی، میزان سرمایه در اختیار مدیران را کاهش دهد و توانایی آن‌ها در سرمایه‌گذاری در پروژه‌های با ارزش خالص فعلی (NPV) مثبت را محدود می‌کند (هوآکیمیان^۱، ۲۰۱۱) و منجر به کاهش درآمد و سود شرکت (بیتس^۲ و همکاران، ۲۰۰۹) و به سبب آن افزایش ریسک حساسی می‌شوند؛ زیرا های^۳ و همکاران (۲۰۰۶) معتقدند ریسک حساسی در شرکت‌هایی که سود آن‌ها در حال کاهش است، بالاست. از طرفی، از دلایل عمده وجود محدودیت‌های تأمین مالی، می‌توان به عدم تقارن اطلاعاتی و مشکلات نمایندگی اشاره کرد. در حالت وجود عدم تقارن اطلاعاتی، سرمایه‌گذاران اطلاعات چندانی در مورد وضعیت پروژه‌های سرمایه‌ای شرکت‌ها ندارند و بنابراین، برای سرمایه‌گذاری در چنین شرکت‌هایی، نرخ بازده بالاتری را طلب می‌کنند (مایرز و ماجلوف^۴، ۱۹۸۴؛ کمپیل^۵ و همکاران، ۲۰۱۲). مشکلات نمایندگی باعث بروز بی‌اعتمادی بین مدیران شرکت و سرمایه‌گذاران می‌شود. در این صورت، سرمایه‌گذاران نرخ بازده بالاتری را برای تأمین مالی پروژه‌های سرمایه‌گذاری شرکت مطالبه می‌کنند (کاداپاکام^۶ و همکاران، ۱۹۹۸؛ چراغعلی، ۱۳۹۵)؛ بنابراین، برای رفع عدم تقارن اطلاعاتی و کاهش هزینه‌های نمایندگی از حساب‌برسان مستقل و آگاه که توانایی گواهی تأیید و شفافیت صورت‌های مالی را دارند، استفاده می‌شود (واتس و زیمرمن^۷، ۱۹۸۶؛ بکر^۸ و همکاران، ۱۹۹۸؛ کوادرادو-بالستروس^۹ و همکاران، ۲۰۱۷). حساب‌برسان مستقل با تأیید صورت‌های مالی، سبب افزایش اطمینان اعتباردهندگان و تأمین‌کنندگان برون‌سازمانی به صورت‌های مالی

1. Hovakimian
2. Bates
3. Hay
4. Myers & Majluf
5. Campbell
6. Kadapakkam
7. Watts, R. & Zimmerman
8. Becker
9. Cuadrado-Ballesteros

شرکت‌های محدود شده می‌شوند (هوپ^۱ و همکاران، ۲۰۱۱) و حساب‌برسان نیز به دلیل افزایش پیچیدگی و حجم کار در جهت کمک به حل مشکلات نمایندگی، عدم تقارن اطلاعات و در نهایت کاهش محدودیت‌های تأمین مالی می‌توانند حق الزحمه حسابرسی بیشتری از صاحب‌کار طلب نمایند (بنجامین، ۲۰۱۹). همچنین، ادبیات پژوهش حاکی از آن است که شرکت‌های دارای محدودیت‌های تأمین مالی از اقلام تعهدی اختیاری و مدیریت سود بیشتر جهت انتقال اطلاعات خصوصی، افزایش قیمت سهام شرکت و به‌طور کلی مثبت نشان دادن چشم‌انداز شرکت و جذب سرمایه‌گذاری خارجی استفاده می‌کنند که این امر نیز ریسک حسابرسی را افزایش و به سبب آن حجم کار حسابرسی و حق الزحمه آن نیز افزایش می‌یابد (گل^۲ و همکاران، ۲۰۰۳؛ لینک^۳ و همکاران، ۲۰۱۳). بر مبنای چنین استدلالی فرضیه دوم پژوهش به صورت ذیل تدوین می‌گردد:

فرضیه دوم: محدودیت‌های تأمین مالی به طور معناداری حق الزحمه حسابرسی را افزایش می‌دهد.

نگهداشت وجه نقد و حق الزحمه حسابرسی

وجه نقد برای واحد تجاری شامل پول نقد نزد موسسه، سپرده‌های دیداری متعلق به موسسه که نزد بانک‌ها و یا مؤسسات مالی دیگر نگهداری شده و هر آنچه در ازای آن به واحدهای مالی، فوراً و بدون قید و شرط، وجه نقد پرداخت گردد، می‌باشد (یزدان‌پناه و عباسی پشتهانی، ۱۳۸۸). الزامی شدن تهیه صورت جریان وجه نقد در استانداردهای حسابداری، نشان‌دهنده اهمیت بالایی وجه نقد شرکت در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی است. شرکت‌ها با توجه به وجود تورم و هزینه فرصت از دست‌رفته، در پی آن هستند که میزان بهینه‌ای از وجه نقد را نگهداری کنند (طالب‌نیا و مهدوی، ۱۳۹۴).

در حال حاضر تصمیم‌گیری برای تعیین میزان ذخایر نقدی در شرکت‌ها تبدیل به یکی از عوامل قابل توجه در ادبیات تأمین مالی شده است. مزیت عمده نگهداری وجه نقد در بازارهای

1. Hope
2. Gul
3. Linck

سرمایه ناکارا، افزایش توانایی شرکت برای استفاده از فرصت‌های سرمایه‌گذاری ارزشمند و پرهیز از تأمین مالی خارجی گران‌قیمت است (چراغعلی، ۱۳۹۵)؛ اما در دوران رشد اقتصادی شرکت که ذخایر وجه نقد افزایش می‌یابد، مدیران بین انتخاب مصرف، توزیع بین سهامداران یا نگهداشت ذخایر وجه نقد با ابهام مواجه هستند. میزان نگهداشت وجه نقد یک شرکت بر روی عوامل زیادی مانند ارزش و بازدهی شرکت، سررسید بدهی‌ها، انتخاب ترکیبی از دارایی و بدهی‌ها و غیره اثرگذار است و این اثرگذاری بالتبع مورد توجه سهامداران قرار می‌گیرد (فروغی و همکاران، ۱۳۹۵). در توجیه رفتار نگهداری وجه نقد توسط مدیریت می‌توان از تئوری هزینه‌های نمایندگی استفاده نمود؛ زیرا با توجه به اینکه تصمیم‌گیری در مورد میزان وجوه نقد و نگهداشت آن امری قضائتی و در اختیار مدیران است این امکان وجود دارد که مدیران از قدرت خود استفاده کرده و به سبب تضاد منافی که بین مدیر و مالک وجود دارد، مدیران این منابع را در جهت منافع خود مصرف کرده و به مالکان اهمیتی ندهند.

از این رو نیاز به کنترل و نظارت بیشتر بر این فعالیت مدیران در ارتباط با وجه نقد پیش از پیش مبرم می‌شود و چون اغلب مالکان از دانش و مهارت کافی برای نظارت و کنترل مدیران برخوردار نیستند، برای رفع این تضاد منافع و کنترل فعالیت‌های مدیران از حسابرسان مستقل و آگاه که توانایی گواهی تأیید و شفافیت صورت‌های مالی را دارند، استفاده می‌کنند (بنجامین^۱ و همکاران، ۲۰۱۵)؛ اما درک صحیح و فهمیدن استفاده از وجوه و نگهداشت آن خود نیاز به صرف زمان و عملیات پیچیده‌ای دارد که باعث می‌شود در ازای این فعالیت حسابرسان آن‌ها حقوق بیشتری را خواستار باشند (واعظ و همکاران، ۱۳۹۷). از سوی دیگر، پرواضح است که نگهداشت وجه نقد بر روی مواردی همانند فرصت‌های رشد، اهرم مالی، جریان‌های نقدی و غیره اثر می‌گذارد و این مهم می‌تواند منجر به تغییر ریسک، پیچیدگی و حجم کار حسابرسان شود و در نتیجه بر روی حق‌الزحمه حسابرسی نیز تأثیرگذار باشد (عمان^۲ و همکاران، ۲۰۱۱)؛ بنجامین و همکاران، ۲۰۱۵). به عبارتی، پی بردن به اینکه وجوه نقد بر چه اساسی نگهداری شده و چه میزانی

1. Benjamin
2. Ammann

سرمایه‌گذاری شده، می‌تواند کار بیشتر حسابرسی را بطلبد و حجم کار حسابرس را افزایش دهد (گلیسون^۱ و همکاران، ۲۰۱۵). این افزایش میزان حجم کاری باعث بیشتر شدن حق الزحمه حسابرسی نیز می‌شود. لذا بر این مبنا فرضیه سوم پژوهش به شرح ذیل مطرح می‌گردد:

فرضیه سوم: سطح بالای نگهداشت وجه نقد به طور معناداری حق الزحمه حسابرسی را افزایش می‌دهد.

ساختار سرمایه مبتنی بر بدهی و حق الزحمه حسابرسی

یکی از اصلی‌ترین تصمیم‌های مدیران در شرکت‌های سهامی، تعیین ترکیب بدهی و سهام در جهت تأمین مالی شرکت است که این تصمیمات باید در راستای به حداکثر رساندن منافع سهامداران، اتخاذ شوند (چن^۲، ۲۰۰۴). محیط متحول و متغیر کنونی، درجه‌بندی شرکت‌ها را از لحاظ اعتباری نیز تا حدودی به ساختار سرمایه آنان منوط ساخته است. این امر برنامه‌ریزی استراتژیک آنان را به انتخاب منابع مؤثر بر هدف «حداکثر سازی ثروت سهامداران» نزدیک کرده است (داگلاس^۳، ۲۰۰۲). در راستای تعیین ساختار سرمایه بهینه به دو عامل ریسک و بازده توجه می‌شود: (۱) بازده: از نظر بازده، ساختار سرمایه‌ای مطلوب‌تر است که سود هر سهم را افزایش دهد؛ (۲) ریسک: از نظر ریسک نیز ساختار سرمایه‌ای مطلوب‌تر است که ریسک شرکت را کاهش دهد. در نتیجه چون افزایش بازده موجب افزایش ارزش شرکت و افزایش ریسک موجب کاهش ارزش شرکت خواهد شد باید ساختاری را تعیین کرد که همراه با افزایش بازده متناسب با ریسک نیز منجر به افزایش ارزش شرکت گردد (تهرانی و آبی، ۱۳۸۸). پس می‌توان ادعا نمود که تصمیم نادرست در مورد ساختار سرمایه منجر به افزایش ریسک شرکت می‌شود. زمانی که منابع دریافتی از برون شرکت گسترده‌تر شود باعث شده که تملک و قدرت اعتباردهندگان برون‌سازمانی بیشتر شده و آن‌ها خواستار شفافیت دقیق اطلاعات گزارش شده می‌باشند، لذا نیاز به حسابرس مستقل پیش از پیش اهمیت پیدا می‌کند (بنجامین و همکاران، ۲۰۱۵).

1. Gleason
2. Chen
3. Douglas

علاوه بر این، وقتی عوامل بنیادی شرکت مثل ارزش و بازدهی شرکت مدنظر باشد، خودبه‌خود توجه حسابرسان به سمت عوامل اثرگذار بر این موارد جلب می‌شود. اگر شرکت‌ها منابع برون‌سازمانی را به منابع مالکان ترجیح دهند و از آن‌ها بیشتر استفاده کنند، نه تنها ریسک شرکت نسبت به پرداخت تعهدات را افزایش می‌دهند بلکه تملک و قدرت آن‌ها را نیز افزایش می‌دهند. لذا با توجه به این افزایش بدهی‌ها تضاد منافع ناشی از مدیر و افراد برون‌سازمانی نیز افزایش می‌یابد (ملکیان و همکاران، ۱۳۹۴). از طرفی، اعتباردهندگان برون‌سازمانی، خواستار این هستند که منابعشان به موقع و بدون کسری برگشت داده شود. این منابعی که در اختیار مدیران قرار داده‌اند با توجه به تضاد منافی که وجود دارد ممکن است هدر رفته و برگشت داده نشود. برای رفع این تضاد، از حسابرس مستقل تقاضا می‌شود که فعالیت خود در این شرایط پیچیده و تحت فشار بیشتر نماید (بنجامین، ۲۰۱۹). لذا حسابرس برای این فعالیت‌های انجام شده و ریسک‌های مرتبط با آن، ممکن است خواستار حق‌الزحمه شود. بر اساس این استدلال، فرضیه چهارم پژوهش به شرح ذیل بیان می‌گردد:

فرضیه چهارم: ساختار سرمایه مبتنی بر بدهی به طور معناداری حق‌الزحمه حسابرسی را افزایش می‌دهد.

پیشینه تجربی

پیشینه خارجی

گریفین^۱ و همکاران (۲۰۱۰) به بررسی ارتباط بین جریان‌های نقدی آزاد، فرصت‌های رشد با حق‌الزحمه حسابرسی پرداختند و دریافتند که جریان‌های نقدی و فرصت‌های رشد، ریسک ذاتی حسابرسی و تلاش حسابرسان برای دستیابی به سطح معقول ریسک حسابرسی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. نتایج این تحقیق نشان داد که حق‌الزحمه حسابرسی در شرکت‌های دارای جریان‌های نقدی آزاد بالا با فرصت‌های رشد زیاد و نیز در شرکت‌های دارای جریان‌های نقدی آزاد بالا با فرصت‌های رشد پایین نسبت به شرکت‌های دارای جریان‌های نقدی آزاد کم دارای فرصت‌های

1. Griffin

رشد بالا و پایین به صورت قابل ملاحظه‌ای بیشتر است و چنین حق الزحمه بالایی عمدتاً با تلاش حسابرس مرتبط است و به ریسک حسابرسی ارتباطی ندارد. همچنین نتایج این تحقیق عنوان نمود که با افزایش سطح بدهی در شرکت‌هایی که دارای جریان‌های نقدی آزاد زیادی هستند، میزان حق الزحمه حسابرسی کاهش می‌یابد؛ اما نتایج این تحقیق شواهدی مبنی بر تغییر حق الزحمه حسابرسی در نتیجه‌ی رابطه بین جریان‌های نقدی در دسترس و تقسیم سود و نیز بازپرداخت سهام ارائه نکرد.

بنجامین و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی تأثیر نگهداشت وجه نقد بر حق الزحمه حسابرسی در ۱۲۵،۳۳۲ شرکت - سال در بورس ایالت متحده آمریکا طی دوره زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۲ پرداختند. نتایج رگرسیون برآوردی آن‌ها نشان می‌دهد که نگهداشت وجه نقد به طور مثبت و معناداری بر حق الزحمه حسابرسی تأثیر می‌گذارد که این موضوع با نظریه هزینه‌های نمایندگی توضیح داده می‌شود.

زینگر^۱ (۲۰۱۶) به بررسی تأثیر سطح حاکمیت شرکتی بر حق الزحمه حسابرسی بر اساس داده‌های شرکت‌های چینیدر سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۸ پرداخت. نتایج رگرسیون برآوردی نشان داد که بین سطح حاکمیت شرکتی و حق الزحمه حسابرسی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. هر چه سطح حاکمیت شرکتی بالاتر باشد، حق الزحمه حسابرسی کمتر خواهد بود.

ناصر و حسن^۲ (۲۰۱۶) به مطالعه عوامل مؤثر بر حق الزحمه حسابرسی پرداخت شده توسط شرکت‌های غیرمالی اماراتی در بازار مالی دبی (DFM) پرداختند. در این پژوهش با استفاده از رگرسیون داده‌های سال ۲۰۱۱ تجزیه و تحلیل شد و نتایج نشان می‌دهد که بین حق الزحمه حسابرسی و متغیرهای استقلال کمیته حسابرسی و اندازه شرکت ارتباط مثبت و معنادار وجود دارد. همچنین، بین حق الزحمه حسابرسی و پیچیدگی شرکت رابطه‌ای معنادار و منفی وجود دارد. این یافته‌ها نشان می‌دهند که حق الزحمه حسابرسی با سودآوری شرکت، ریسک، نوع صنعت، وضعیت شرکت حسابرسی و تأخیر در گزارش حسابرسی ارتباط معناداری ندارد.

1. Xingze

2. Naser & Hassan

بنجامین (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی تأثیر محدودیت‌های تأمین مالی بر حق‌الزحمه حسابرسی در ۵۱،۲۲۳ شرکت - سال در بورس ایالت متحده آمریکا طی دوره زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶ پرداخته است. نتایج رگرسیون برآوردی پژوهش وی نشان می‌دهد که محدودیت‌های تأمین مالی به طور مثبت و معناداری بر حق‌الزحمه حسابرسی تأثیر می‌گذارد که این موضوع با نظریه هزینه‌های نمایندگی و عدم تقارن اطلاعات توضیح داده می‌شود.

پیشینه داخلی

علوی طبری (۱۳۸۲) در پژوهشی به بررسی عوامل تعیین‌کننده حق‌الزحمه حسابرسی داخلی و حسابرسی مستقل و همچنین، بررسی میزان اثرگذاری وجود حسابرسی داخلی بر حق‌الزحمه حسابرسی مستقل پرداخته است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد مدل‌های ارائه شده در مورد عوامل تعیین‌کننده حق‌الزحمه خدمات حسابرسی از جمله مدل سیمیونیک^۱ (۱۹۸۰) و پالمرز^۲ (۱۹۸۸) با اطلاعات آماری ایران همخوانی دارد و همچنین شواهد تجربی اثر کاهشی وجود حسابرسی داخلی بر حق‌الزحمه حسابرسی مستقل را تأیید می‌کند.

رجبی و محمدی‌خسروئی (۱۳۸۷) به بررسی رابطه بین هزینه‌های نمایندگی و قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی در ایران پرداختند. بر این اساس عوامل اثرگذار بر قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی به همراه شاخص‌های هزینه‌های نمایندگی به‌عنوان متغیرهای مستقل و حق‌الزحمه خدمات حسابرسی به‌عنوان متغیر وابسته تعیین شده است. نتایج پژوهش نشان داد که بین برخی از عوامل مرتبط با هزینه‌های نمایندگی از جمله متوسط مجموع دارایی‌ها و درآمدهای عملیاتی، درصد سهم اولین سهامدار عمده، پایان سال مالی و نوع حسابرس و قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی رابطه معنادار وجود دارد.

نیکبخت و تنانی (۱۳۸۹) در پژوهشی به بررسی عوامل مؤثر بر حق‌الزحمه حسابرسی پرداختند. آنان پس از بررسی صورت‌های مالی و مصاحبه با مسئولان نتیجه گرفتند، متغیرهای

1. Simunic
2. Palmrose

حجم (اندازه) شرکت، پیچیدگی عملیات شرکت، نوع مؤسسه حسابرسی و تورم با حق الزحمه حسابرسی ارتباط معناداری دارند؛ اما بین متغیرهای ریسک حسابرسی، تحصیلات و تجربه مسئول تهیه‌کننده صورت‌های مالی با متغیر وابسته (حق الزحمه حسابرس) ارتباط معناداری وجود ندارد.

موسوی و داروغه‌حضرتی (۱۳۹۰)، رابطه بین جریان نقد آزاد و حق الزحمه حسابرسی را در ۵۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را طی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۷ با استفاده از ضریب همبستگی و مدل رگرسیون چندمتغیره بررسی نمودند. نتایج پژوهش نشان داد که شرکت‌های با جریان نقد آزاد بالا، دارای حق الزحمه حسابرسی بیشتر هستند.

علوی طبری و همکاران (۱۳۹۱) به بررسی تأثیر مسائل نمایندگی ناشی از جریان‌های نقدی آزاد شرکت‌ها با توجه به فرصت‌های رشد، میزان سود تقسیمی و اهرم مالی بر حق الزحمه حسابرسی مستقل در ۸۸ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را طی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۸ با استفاده از رگرسیون تحلیل کوواریانس و به روش پنل پرداختند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که حق الزحمه حسابرسی در شرکت‌هایی که جریان‌های نقدی آزاد آن‌ها بالا و فرصت‌های رشد آن‌ها زیاد می‌باشد، بالاتر از شرکت‌هایی است که جریان‌های نقدی آزاد آن‌ها پایین اما فرصت‌های رشد بالایی دارند. به‌علاوه در شرکت‌هایی که جریان‌های نقدی آزاد و فرصت‌های رشد آن‌ها بالا باشد، با افزایش میزان بدهی‌ها میانگین حق الزحمه حسابرسی افزایش می‌یابد؛ اما بر طبق نتایج حاصل، افزایش میزان سود تقسیمی موجب کاهش مسئله نمایندگی ناشی از جریان‌های نقدی آزاد نمی‌شود.

ملکیان و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی ارتباط بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و حق الزحمه حسابرسی در ۷۸ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی دوره زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ پرداختند. آن‌ها به وجود رابطه منفی بین حق الزحمه حسابرسی و درصد اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره و رابطه مثبت بین دوگانگی مدیرعامل با حق الزحمه حسابرسی پی بردند. همچنین، یافته‌ها نشان می‌دهد که رابطه بین دوگانگی مدیرعامل و حق الزحمه حسابرسی هنگامی که مالکیت پراکنده است، قوی‌تر است.

درختی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی تأثیر ساختار مالکیت و ساختار مالی را بر حق الزحمه حسابرسی در ۹۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۲ با استفاده از روش تجزیه و تحلیل همبستگی و رگرسیون بررسی نمودند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تمرکز مالکیت و مالکیت دولتی بر حق الزحمه حسابرسی تأثیر مثبت و مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی تأثیر منفی بر آن دارد.

واعظ و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی تأثیر نگهداشت وجه نقد بر حق الزحمه حسابرسی در ۸۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴ پرداختند. روش آماری مورد استفاده برای آزمون فرضیه رگرسیون چند متغیره است. نتایج رگرسیون نشان می‌دهد که با ثابت نگه داشتن عوامل دیگر، بین نگهداشت وجه نقد و حق الزحمه حسابرسی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد و منعکس‌کننده این مهم است که حساب‌رسان به سطوح مختلف نگهداشت وجه نقد شرکت‌ها که یکی از منابع هزینه‌های نمایندگی است، واکنش نشان می‌دهند.

بنابراین، مرور ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که با افزایش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی هزینه‌های کسب و بررسی اطلاعات و نیاز به انجام تعدیلات در اطلاعات کاهش می‌یابد (دی فرانکو همکاران، ۲۰۱۱؛ کیم^۱ و همکاران، ۲۰۱۵؛ فروغی و قاسم‌زاد، ۱۳۹۵) و این ممکن است منجر به کاهش حق الزحمه حسابرسی شود (ژانگ^۲؛ ۲۰۱۸). محدودیت‌های تأمین مالی، شرکت‌ها را از تأمین منابع برای سرمایه‌گذاری‌های مطلوب باز می‌دارد و چنین قدرت بازدارندگی ریسک شرکت صاحب‌کار را بالا می‌برد (بنجامین، ۲۰۱۹ و هوپ و همکاران، ۲۰۱۱) و به تبع افزایش ریسک ممکن است تلاش حسابرسان بیشتر شود و در نهایت هزینه‌های حسابرسی نیز بیشتر گردد (گل و همکاران، ۲۰۰۳؛ لینک و همکاران، ۲۰۱۳ و بنجامین، ۲۰۱۹). اینکه نگهداری وجه نقد به-عنوان اساسی‌ترین قلم از دارایی‌ها، به چه دلیل صورت گرفته و اینکه چه مقدار پول خرج شده نیاز به شفافیت بالایی دارد که کلیه افراد ذینفع در شرکت‌ها خواستار روشن شدن این موضوع

1. Kim
2. Zhang

می‌باشند. لذا، ممکن است این موضوع باعث افزایش حجم کار حسابرس شده و چنین نیازی با حق‌الزحمه بیشتر مرتفع می‌شود (بنجامین و همکاران، ۲۰۱۵؛ گلیسون و همکاران، ۲۰۱۵؛ موسوی و داروغه‌حضرتی، ۱۳۹۰ و واعظ و همکاران، ۱۳۹۷). هر چقدر نسبت ساختار سرمایه مبتنی بر بدهی بیشتر شود نشان از کنترل بیشتر اعتباردهندگان و تأمین‌کنندگان برون‌سازمانی نسبت به مالکان می‌باشد. لذا، با افزایش این نسبت افراد برون‌سازمانی خواستار نوعی شفافیت و دقت بیشتر و جدیت کار حسابرسی شده و احتمالاً این مهم، عاملی برای افزایش حق‌الزحمه حسابرسان نسبت به سایر شرکت‌ها با نسبت ساختار سرمایه پایین‌تر است (ملکیان و همکاران، ۱۳۹۴ و بنجامین، ۲۰۱۹).

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش، فرضیه‌های مورد آزمون در پژوهش حاضر به قرار زیر است:

فرضیه اول: سطح بالای قابلیت مقایسه صورت‌های مالی به طور معناداری حق‌الزحمه حسابرسی را کاهش می‌دهد.

فرضیه دوم: محدودیت‌های تأمین مالی به طور معناداری حق‌الزحمه حسابرسی را افزایش می‌دهد.

فرضیه سوم: سطح بالای نگهداشت وجه نقد به طور معناداری حق‌الزحمه حسابرسی را افزایش می‌دهد.

فرضیه چهارم: ساختار سرمایه مبتنی بر بدهی به طور معناداری حق‌الزحمه حسابرسی را افزایش می‌دهد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر طبقه‌بندی بر مبنای هدف، از نوع کاربردی است و از نظر ماهیت و روش از نوع توصیفی-همبستگی است. در پژوهش حاضر ابتدا، از روش کتابخانه‌ای برای مطالعه مبانی

نظری و بررسی پیشینه تحقیق استفاده می‌شود. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش تخمین رگرسیون استفاده شده است. داده‌های پژوهش حاضر از طریق نرم‌افزار رهاورد نوین و سایت بورس اوراق بهادار و سایت کدال گردآوری و از طریق نرم‌افزار اکسل نسخه ۲۰۱۶ آماده تجزیه و تحلیل شد. قلمرو زمانی تحقیق از سال ۱۳۹۰ تا سال ۱۳۹۸ (۱۰۷۱ شرکت - سال) است. از آنجا که جهت اندازه‌گیری متغیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی به داده‌های چهار سال قبل آن نیاز است، از اطلاعات سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۸ استفاده می‌شود؛ بنابراین، دوره گردآوری داده‌ها، یک دوره سیزده ساله (۱۳۸۶ تا ۱۳۹۸) و دوره تحلیل، یک دوره نه ساله (۱۳۹۰-۱۳۹۸) است. قلمرو مکانی تحقیق نیز شرکت‌های لیست شده در بورس اوراق بهادار تهران است. به منظور دستیابی به نمونه‌ای همگن و یکنواخت، شرکت‌هایی که دارای ویژگی‌های زیر باشند به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند:

۱. از ابتدای سال ۱۳۸۶ تا پایان سال ۱۳۹۸، سهام آن در بورس اوراق بهادار تهران به صورت فعال معامله شده باشد و توقف عمده (بیش از شش ماه) نداشته باشد.
۲. به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، دوره مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفندماه باشد.
۳. اطلاعات حسابداری شرکت‌ها که برگرفته از صورت‌های مالی آن‌ها است، برای دوره فوق موجود باشد.
۴. به دلیل متفاوت بودن ماهیت اقتصادی شرکت‌ها، جزو شرکت‌های سرمایه‌گذاری، هلدینگ، لیزینگ، بیمه و بانک‌ها نباشند، زیرا افشاهای مالی و ساختارهای حاکمیت شرکتی در آن‌ها متفاوت از سایر شرکت‌ها است.

از آنجا که متغیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی در سطح صنعت تعریف و محاسبه شده است، بعد از اعمال محدودیت‌های فوق، مطابق با پژوهش فروغی و قاسم‌زاد (۱۳۹۵) صناعی انتخاب شدند که حداقل ۶ شرکت داشته باشند. بر این مبنا، در نهایت ۱۱۹ شرکت در ۱۰ نوع صنعت (۱۰۷۱ شرکت - سال) به عنوان نمونه آماری پژوهش انتخاب شد.

مدل و متغیرهای پژوهش

در پژوهش حاضر، طبق ترکیبی از مدل‌های معرفی شده در پژوهش‌های بنجامین و همکاران (۲۰۱۵) و بنجامین (۲۰۱۹) به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل ۱ به شرح زیر استفاده شده است.

$$\begin{aligned} AUDITFEES_{it} = & \alpha_0 + \beta_1(COM_{it}) + \beta_2(FC_{it}) + \beta_3(CASH_{it}) \\ & + \beta_4(LEV_{it}) + \beta_5(SIZE_{it}) + \beta_6(Q\ TOBIN_{it}) \\ & + \beta_7(MB_{it}) + \beta_8(CAPX_{it}) + \beta_9(ROA_{it}) \\ & + \beta_{10}(LOSS_{it}) + \varepsilon_{it} \end{aligned} \quad \text{مدل ۱}$$

در مدل فوق $AUDITFEES_{it}$ هزینه حسابرسی، COM_{it} قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، FC_{it} محدودیت تأمین مالی، $CASH_{it}$ نگهداشت وجه نقد، LEV_{it} بیانگر ساختار سرمایه مبتنی بر بدهی، $SIZE_{it}$ اندازه شرکت، $Q\ TOBIN_{it}$ فرصت رشد، MB_{it} نسبت ارزش بازار به دفتری، $CAPX_{it}$ نسبت مخارج سرمایه‌گذاری، ROA_{it} نرخ بازده دارایی‌ها، $LOSS_{it}$ زیان مالی شرکت است.

متغیر وابسته

حق الزحمه حسابرسی ($AUDITFEES_{it}$): این متغیر بیانگر این است که حساب‌برسان مستقل چه مبلغی را به عنوان خدماتی که انجام می‌دهند از موسسه طرف قرارداد دریافت می‌کنند. طبق پژوهش بنجامین (۲۰۱۹) و واعظ و همکاران (۱۳۹۷) مبلغ حق الزحمه از یادداشت‌های صورت‌های مالی جمع‌آوری شده و لگاریتم طبیعی آن به شرح رابطه ۲ به عنوان متغیر وابسته مورد تجزیه و تحلیل شده است. در این پژوهش مبلغ به میلیون ریال در نظر گرفته شده و سپس لگاریتم طبیعی گرفته شده است.

$$AUDITFEES_{it} = \ln(AUDITFEES_{it}) \quad \text{رابطه ۲}$$

متغیرهای مستقل

قابلیت مقایسه صورت‌های مالی (COM_{it}): برای اندازه‌گیری این متغیر از معیارهای تجربی معرفی شده توسط دی‌فرانکو و همکاران (۲۰۱۱) استفاده شده است که مهرورز و مرفوع (۱۳۹۵) و فروغی و قاسم‌زاد (۱۳۹۵) نیز در پژوهش‌های خود از این مدل برای محاسبه قابلیت مقایسه صورت‌های مالی استفاده نموده‌اند. بر اساس این مدل، سیستم حسابداری یک شرکت به‌عنوان تابعی در نظر گرفته می‌شود که رویدادهای اقتصادی (بازده سهام) را به صورت‌های مالی (سود حسابداری) تبدیل می‌کند. به طوری که هرچه تابع حسابداری دو شرکت شباهت بیشتری باهم داشته باشد، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی آن‌ها بیشتر خواهد بود. با استفاده از این معیار برای محاسبه قابلیت مقایسه بین دو شرکت i و j ، ابتدا مدل رگرسیونی ۳ برای هر شرکت - سال و با استفاده از داده‌های سری زمانی دوره‌ی چهارساله (۱۶ فصل) اخیر برآورد می‌شود:

$$EARNINGS_{it} = \alpha_i + \beta_i RETURN_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل ۳}$$

$EARNINGS_{it}$ = سود خالص فصلی تقسیم بر ارزش بازار ابتدای دوره سهام شرکت.

$RETURN_{it}$ = بازده سهام فصلی.

ضرایب برآوردی از مدل ۳ معرف تابع حسابداری شرکت است که رویدادهای اقتصادی (بازده) را به صورت‌های مالی (سود) تبدیل می‌کند؛ یعنی α_i و β_i معرف تابع حسابداری شرکت i و β_j معرف تابع حسابداری شرکت j است. شباهت بین تابع حسابداری دو شرکت، میزان قابلیت مقایسه دو شرکت را نشان می‌دهد. لذا برای برآورد تفاوت بین تابع و عملیات حسابداری دو شرکت i و j ، در هر سال با استفاده از طریق رابطه‌های ۴ و ۵ سود شرکت i به‌طور جداگانه یک‌بار با استفاده از تابع حسابداری خود شرکت i و یک‌بار با استفاده از تابع حسابداری شرکت j زولی با بازده خود شرکت i (رویداد مشابه)، برای دوره زمانی مشابه با دوره زمانی مورد استفاده در رابطه ۳ پیش‌بینی می‌شود:

$$E(EARNINGS)_{iit} = \hat{\alpha}_i + \hat{\beta}_i RETURN_{it} \quad \text{رابطه ۴}$$

$$E(EARNINGS)_{ijt} = \hat{\alpha}_j + \hat{\beta}_j RETURN_{it} \quad \text{رابطه ۵}$$

$E(EARNINGS)_{iit}$ = به سود پیش‌بینی شده برای شرکت i در دوره t با استفاده از تابع حسابداری شرکت i و بازده شرکت i اشاره دارد.

$E(EARNINGS)_{ijt}$ = به سود پیش‌بینی شده برای شرکت j در دوره t با استفاده از تابع حسابداری شرکت j و بازده شرکت i اشاره دارد.

پس از محاسبه مقادیر فوق، میانگین تفاوت در مقادیر سود پیش‌بینی شده بیانگر تفاوت در تابع حسابداری دو شرکت است. لذا قرینه آن، میزان شباهت و قابلیت مقایسه بین دو شرکت را به شرح رابطه ۶ نشان می‌دهد:

$$COMPACCT_{ijt} = -\frac{1}{16} \sum_{t-15}^t |E(EARNINGS)_{iit} - E(EARNINGS)_{ijt}| \quad \text{رابطه ۶}$$

$COMPACCT_{iit}$ = قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بین دو شرکت i و j در سال t است. به طریق مشابه، برای هر سال و برای هر جفت شرکت i با شرکت‌های j عضو یک صنعت، معیار $COMPACCT_{iit}$ محاسبه شده و سپس میانه مقادیر محاسبه شده برای شرکت i در سال t به عنوان معیار قابلیت مقایسه خاص شرکت i تعریف می‌شود (حبیب و همکاران، ۲۰۱۷).

محدودیت تأمین مالی (FC_{it}): دونگمی^۱ (۲۰۰۶) با بسط مطالعه کاپلان و زینگالاس^۲ (۱۹۹۷) بر روی معیارهای شرکت‌های دارای محدودیت در تأمین مالی، شاخص kz ارائه نموده‌اند که بر اساس آن می‌توان شرکت‌هایی را که در تأمین مالی محدودیت دارند را شناسایی نمود؛ اما با توجه به تفاوت شرایط اقتصادی و تجاری ایران با کشور آمریکا و کشورهای اروپایی امکان

1. Dongmei
2. Kaplan & Zingales

استفاده از ضرایب حاصل از شاخص آن‌ها وجود ندارد (خواجه‌وی و صالحی‌نیا، ۱۳۹۴). بنابراین در پژوهش حاضر برای محاسبه محدودیت‌های تأمین مالی از ۲ شاخص بومی شده زیر استفاده و در نهایت از اعداد به دست آمده میانگین می‌گیریم:

(۱) تهرانی و حصارزاده (۱۳۸۸) الگوی کاپلان و زینگلاس (۱۹۹۷) را با توجه به مختصات ایران ارائه کردند که به صورت رابطه ۷ است:

$$KZ_{IR} = 17.33 - 37.486 \left(\frac{cashholding_{it}}{totalassets_{it}} \right) - 15.21 \left(\frac{div_{it}}{totalassets_{it}} \right) + 3.39 \left(\frac{debt_{it}}{totalassets_{it}} \right) - 1.402 \frac{M_{it}}{B_{it}} \quad \text{رابطه ۷}$$

که در آن $cashholdin g_{it}$ نشان دهنده وجه نقد نگهداری شده و برابر با مجموع وجه نقد شرکت و سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت، $totalassert s_{it}$ نشان دهنده کل دارایی‌های شرکت، div_{it} نشان دهنده سود تقسیمی شرکت، $debt_{it}$ نشان دهنده بدهی‌های شرکت، M_{it} نشان دهنده ارزش بازار شرکت و B_{it} نشان دهنده ارزش دفتری شرکت است (سیاسی و همکاران، ۱۳۹۶).

(۲) WW معیار محدودیت مالی است که وایتد و وو (۲۰۰۶) ارائه کرده است. از این معیار در پژوهش‌های بادآور نهندی و درخور (۱۳۹۲) و حقیقت و حیدری (۱۳۹۲) نیز استفاده شده و ضرایب در کشور تبیین شده است که به شرح رابطه ۸ می‌باشد:

$$WW = -0.091CF_{it} - 0.062DivDummy + 0.02TLTD_{it} - 0.044LNTA_{it} + 0.102ISG_{it} - 0.035SG_{it} \quad \text{رابطه ۸}$$

که در آن CF_{it} برابر با نسبت جریان خالص وجه نقد به کل دارایی‌های شرکت، Div_{it} متغیر مجازی است و برای شرکت‌هایی که در دوره سود تقسیمی داشته‌اند، برابر یک و در غیر این صورت، برابر صفر خواهد بود، $TLTD_{it}$ برابر با نسبت کل بدهی‌های بلندمدت به کل دارایی‌های شرکت، $LNTA_{it}$ برابر با لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها، ISG_{it} نشان دهنده رشد فروش صنعتی که شرکت در آن صنعت قرار دارد و SG_{it} برابر با رشد فروش شرکت است (سیاسی و همکاران،

(۱۳۹۶).

نگهداشت وجه نقد ($CASH_{it}$): برابر است با لگاریتم طبیعی وجه نقد و اوراق بهادار قابل فروش تقسیم بر دارایی‌های خالص است. در پژوهش حاضر از نسبت مجموع وجه نقد و سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت به کل دارایی‌ها استفاده می‌شود (افشار زیدآبادی و همکاران، ۱۳۹۴؛ حبیب و همکاران، ۲۰۱۷).

ساختار سرمایه مبتنی بر بدهی (LEV_{it}): به منظور محاسبه ساختار سرمایه از نسبت بدهی شرکت استفاده شده است که متداول‌ترین تعریف ساختار سرمایه تلقی می‌شود. این نسبت معادل ارزش دفتری کل بدهی‌ها به حقوق صاحبان سهام است (بنجامین، ۲۰۱۹) و به صورت رابطه ۹ محاسبه می‌شود.

$$LEV_{it} = \frac{LIABILITIES_{it}}{CAPITAL_{it}} \quad \text{رابطه ۹}$$

$LIABILITIES_{it}$ ارزش دفتری بدهی‌ها و $CAPITAL_{it}$ حقوق صاحبان سهام است.

متغیرهای کنترلی

در پژوهش‌های پیشین (از جمله: بنجامین و همکاران، ۲۰۱۵؛ بنجامین، ۲۰۱۹؛ فرج‌زاده دهکردی و حیدری، ۱۳۹۶ و واعظ و همکاران، ۱۳۹۷) مشخص شده که متغیرهای کنترلی زیر با حق الزحمه حسابرس مرتبط می‌باشند؛ از این رو اثر این عوامل کنترل شده است.

اندازه شرکت ($SIZE_{it}$): از طریق لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام (حاصل ضرب قیمت سهام در پایان سال مالی و تعداد سهام در دست عموم) به دست می‌آید (حبیب و همکاران، ۲۰۱۷).

فرصت رشد ($Q\ TOBIN_{it}$): رشد یکی از متغیرهای بنیادین مؤثر بر وضعیت آتی سودآوری شرکت‌ها و بازده سهام میزان سرمایه‌گذاری شرکت‌ها در دارایی‌های ثابت است که می‌تواند زمینه‌ساز دستیابی به بازده مطلوب در آینده شود (خواجوی و صالح‌نیا، ۱۳۹۶). برای محاسبه فرصت رشد در این پژوهش از نسبت کیو توبین به شرح رابطه ۱۰ استفاده شده است.

$$QTobin = \frac{Debts + MV}{Assets} \quad \text{رابطه ۱۰}$$

نسبت ارزش بارز به دفتری (MB_{it}): از طریق تقسیم ارزش بازار دارایی‌ها (حاصل ضرب قیمت سهام در پایان سال مالی و تعداد سهام در دست عموم) بر ارزش دفتری دارایی‌ها محاسبه می‌شود (حیب و همکاران، ۲۰۱۷).

نسبت مخارج سرمایه‌گذاری ($CAPX_{it}$): مخارج سرمایه‌گذاری از طریق تقسیم خالص پرداخت‌های وجه نقد بابت دارایی‌های ثابت، نامشهود و دیگر دارایی‌های بلندمدت بر کل دارایی‌های اول دوره محاسبه می‌شود (حیب و همکاران، ۲۰۱۷).

نرخ بازده دارایی‌ها (ROA_{it}): از تقسیم درآمد قبل از کسر سود و مالیات بر کل دارایی‌ها حاصل می‌شود.

زیان مالی شرکت ($LOSS_{it}$): مطابق پژوهش واعظ و همکاران (۱۳۹۷) اگر شرکت متحمل زیان شود، مقدار آن ۱ و در غیر این صورت، مقدار آن صفر خواهد بود.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

همان‌طور که مشاهده می‌گردد نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در سطح کل نمونه، در جدول ۱ آورده شده است که بیانگر پارامترهای توصیفی برای هر متغیر به صورت مجزا است. این پارامترها شامل اطلاعات مربوط به شاخص‌های مرکزی نظیر مقدار میانگین، میانه، حداقل و حداکثر و همچنین، اطلاعات مربوط به شاخص‌های پراکندگی، نظیر انحراف معیار است. با مقایسه و بررسی شاخص‌های فوق همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، شاخص حق‌الزحمه حسابرس، به این دلیل که لگاریتم آن در مدل در نظر گرفته شده است، نمی‌توان توضیح دقیقی در مورد شاخص‌های آن ارائه کرد. تنها می‌توان به این نکته اشاره کرد که حداقل و حداکثر این مبلغ حق‌الزحمه که به ترتیب ۳/۶۹ و ۹/۸۸ نشان‌دهنده آن است که تفاوت زیادی در مبالغ حق‌الزحمه

در شرکت‌ها وجود دارد. میانگین و میانه متغیر نگهداشت وجه نقد شرکت‌های موردبررسی به- ترتیب (۰/۰۵۷) و (۰/۰۳۳) است. از آنجا که مقدار میانگین در این متغیر از میانه آن بیشتر است، می‌توان ادعا نمود که چولگی به سمت چپ است. با توجه به عدد میانگین در این متغیر، مشخص می‌گردد که به طور میانگین شرکت‌های موردبررسی حدوداً (۰/۰۶) کل دارایی‌های خود را به صورت وجه نقد و سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت نگهداشت می‌کنند. همچنین، نزدیکی تقریبی انحراف معیار نگهداشت وجه نقد (۰/۰۶۹) به میانگین آن، حاکی از تجانس زیاد و پراکندگی کم داده‌های مرتبط با این متغیر است. بیشترین مقدار نگهداشت وجه نقد (۰/۴۷۹) و کمترین آن تقریباً صفر حاکی از آن است که شرکت‌هایی وجود دارند که در یک سال ممکن است تقریباً نیمی از وجه نقد حاصله را نگهداری و یا حتی شرکت‌هایی وجود دارند که وجه نقدی نگه‌داری نمی‌کنند. افزون بر این، نزدیکی تقریبی میانگین و میانه متغیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی شرکت‌های موردبررسی که به ترتیب (۰/۰۳۶-) و (۰/۰۲۷-) است، حاکی از توزیع نرمال این متغیر می‌باشد. کمینه و بیشینه قابلیت مقایسه صورت‌های مالی به ترتیب (۰/۲۹۵-) و (۰/۰۰۵-) است. متغیر ساختار سرمایه مبتنی بر بدهی نشان می‌دهد که به طور متوسط اعتباردهندگان بیش از نیمی از حقوق صاحبان سهام را تشکیل داده‌اند. به عبارتی میزان مالکیت افراد برون‌سازمانی یا کنترلشان بیشتر از افراد درون‌سازمانی یا مالکان است. کمترین این میزان با تقریباً ۱۵ درصد و بیشترین میزان آن با نزدیک به ۴ نشان می‌دهد شرکت‌هایی وجود دارند که بدهی‌های آن‌ها ۴ برابر حقوق صاحبان سهام آن‌ها است. همچنین، بیشترین انحراف معیار در بین متغیرهای تأثیرگذار بر شاخص حق الزحمه حسابرس، مربوط به نسبت ارزش بازار به دفتری (۶/۴۳۵) است که نشان از پراکندگی شرکت‌های موردبررسی از این نظر را دارد. درصد فراوانی متغیر کیفی زیان حاکی از آن است که حدوداً ۲۶ درصد شرکت-سال‌ها، در صورت‌های مالی خود زیان گزارش نموده‌اند.

جدول ۱. نتایج آمار توصیفی متغیرها

نوع متغیر	متغیر	نماد	میانگین	میانه	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
۷	حق الزحمه حسابرسی (LOG)	$AUDITFEES_{it}$	۶/۵۴	۶/۳۹	۰/۹۱	۳/۶۹	۹/۸۸
	قابلیت مقایسه صورت‌های مالی	COM_{it}	-۰/۰۳۶	-۰/۰۲۷	۰/۰۳۲	-۰/۲۹۵	-۰/۰۰۵
	محدودیت تأمین مالی	FC_{it}	۶/۰۸۹	۶/۶۴۷	۴/۹۶	-۷۶/۱۸۵	۴۴/۷۱
	نگهداشت وجه نقد	$CASH_{it}$	۰/۰۵۷	۰/۰۳۳	۰/۰۶۹	۰/۰۱	۰/۰۴۷۹
	ساختار سرمایه مبتنی بر بدهی	LEV_{it}	۰/۶۳۵	۰/۶۳۲	۰/۲۵۲	۰/۱۴۷	۴/۰۰۳
	اندازه شرکت	$SIZE_{it}$	۱۱/۹۱	۱۱/۸۹	۰/۵۵	۱۰/۳۵	۱۳/۸۶
	فرصت رشد	$Q\ TOBIN_{it}$	۱/۵۱	۱/۳۹	۰/۶۹	۰/۴۲۷	۶/۵۲
	نسبت ارزش بارز به دفتری	MB_{it}	۲/۴۱۱	۱/۹۷	۶/۴۳۵	-۴۹/۷۰۴	۱۲۱/۵۱
	نسبت مخارج سرمایه‌گذاری	$CAPX_{it}$	۰/۰۴۴	۰/۰۲۷	۰/۰۸۸	-۰/۵۵۶	۰/۸۴۶
	نرخ بازده دارایی‌ها	ROA_{it}	۰/۱۲۷	۰/۱۲۹	۰/۱۳۸	-۰/۲۵۵	۰/۶۲۷
نوع متغیر	متغیر	نماد	فراوانی	درصد فراوانی		کمینه	بیشینه
کیفی	زیان مالی شرکت	$LOSS_{it}$	۲۸۰	۱۴/۲۶		۰	۱

آمار استنباطی

آزمون فرض کلاسیک رگرسیون

در این پژوهش، از آزمون لوین، لین و چو جهت بررسی پایایی متغیرهای پژوهش استفاده شده است. نتایج این آزمون نشان می‌دهد که کلیه متغیرهای مستقل، وابسته و کنترلی، به واسطه سطح معناداری کوچک‌تر از ۵ درصد، پایا هستند و استفاده از این متغیرها در مدل‌ها باعث به وجود آمدن رگرسیون کاذب نمی‌شود. همچنین، برای بررسی عدم وجود همبستگی خطی بین متغیرهای توضیحی از آزمون عامل تورم واریانس استفاده شده است. بر اساس نتایج این آزمون عامل واریانس‌های مدل پژوهش کمتر از ۵ می‌باشند و مشکل هم‌خطی وجود ندارد. به منظور بررسی نرمال بودن توزیع باقیمانده‌های مدل‌ها از آزمون جارک-برا استفاده شد. از آن‌جا که سطح معناداری این آزمون برای مدل پژوهش کمتر از ۰/۰۵ است، فرض صفر مبنی بر نرمال بودن توزیع اجزای اخلاص مدل‌های پژوهش رد می‌شود؛ اما طبق قضیه حد مرکزی، چنانچه تعداد مشاهدات در نمونه مورد بررسی به میزان کافی زیاد باشد، توزیع داده‌ها به نرمال نزدیک است و حتی اگر جامعه نرمال نباشد، می‌توان از آزمون‌های پارامتریک استفاده کرد. همچنین، به منظور بررسی ناهمسانی واریانس باقیمانده‌های مدل‌ها از آزمون وایت استفاده شده است. نتایج آزمون وایت برای بررسی فرض همسانی واریانس در اجزای اخلاص مدل‌ها نیز حاکی از وجود ناهمسانی واریانس در مدل است که برای رفع این مشکل، از روش تصحیح وایت استفاده شد.

انتخاب نوع الگوی برآورد

از آن‌جا که داده‌های پژوهش حاضر به صورت مقطعی-زمانی می‌باشند، نیاز است که تلفیقی یا تابلویی بودن داده‌ها با استفاده از آزمون چاو (F لیمر) سنجیده شود. با توجه به نتایج به دست آمده که در جدول (۲) ارائه شده است، سطح معناداری در مدل پژوهش برای چاو (F لیمر) عدد صفر است که این مقدار، بیانگر رد فرضیه صفر آزمون (کارایی روش تلفیقی) بوده و حکایت از آن دارد که برای تخمین مدل پژوهش باید از روش داده‌های تابلویی استفاده شود. با توجه به تابلویی بودن مدل، بایستی برای تعیین نوع داده‌ها تابلویی (روش اثرات ثابت یا اثرات تصادفی) از

آزمون هاسمن استفاده شود. همان‌طور که در جدول (۲) ملاحظه می‌شود، سطح معناداری آزمون هاسمن، عدد صفر است که این مقدار حاکی از استفاده از روش اثرات ثابت در مقابل روش اثرات تصادفی است.

جدول ۲. انتخاب نوع الگوی برآورد

مدل رگرسیون	آزمون	مقدار آماره لیمر	سطح معناداری	نتیجه آزمون
مدل پژوهش	چاو	۱/۷۸۷	۰/۰۰۹	اجرای آزمون هاسمن
	هاسمن	۵۱/۸۴۹	۰/۰۱۷	مدل اثرات ثابت

نتایج آزمون فرضیه‌ها

نتایج برآورد الگوی رگرسیون حداقل مربعات معمولی به روش اثرات ثابت فرضیه‌های گروه اول در جدول ۳ ارائه شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، مقدار آماره F و سطح معناداری مربوط به این آماره، نشان می‌دهد مدل رگرسیون برآورد شده برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، در کل معنادار است. در این مدل، ضریب تعیین (۰/۶۲۷) به دست آمده و گویای درصدی است که تغییرات متغیر وابسته با متغیرهای الگو، قابل توضیح است. افزون بر این، نتایج خودهمبستگی جملات خطا با استفاده از آماره دورین-واتسون برای فرضیه‌های پژوهش (۲/۱۵۵) محاسبه شده که حاکی از عدم وجود خودهمبستگی در مدل است.

با توجه به مقدار آماره t و سطح معناداری متغیرهای پژوهش، نتایج حاکی از آن است که همه متغیرهای مستقل مدل پژوهش با حق‌الزحمه حسابرسی ارتباط معناداری دارند. به واسطه آماره (۲/۴۷۶-)، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با حق‌الزحمه حسابرسی ارتباط منفی و معناداری در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارد. با توجه به نحوه تدوین فرضیه اول می‌توان این‌گونه بیان کرد، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی در شرکت‌های موردبررسی، حق‌الزحمه حسابرسی را کاهش می‌دهد و فرضیه اول پژوهش تأیید می‌گردد.

با توجه به آماره محدودیت تأمین مالی (۴/۶۹۳) در سطح اطمینان ۹۹ درصد می‌توان مدعی شد که محدودیت تأمین مالی شرکت با حق‌الزحمه حسابرسی ارتباط مثبت و معناداری دارد؛

بنابراین، فرضیه دوم پژوهش مبنی بر تأثیر مثبت و معنادار محدودیت تأمین مالی شرکت بر حق الزحمه حسابرسی تأیید می‌شود. همچنین، نگهداشت وجه نقد با آماره (۲/۸۴۰) در سطح اطمینان ۹۹ درصد ارتباط مثبت و معناداری با حق الزحمه حسابرسی دارد. لذا فرضیه سوم پژوهش مبتنی بر تأثیر مثبت و معنادار نگهداشت وجه نقد شرکت بر حق الزحمه حسابرسی نیز تأیید می‌شود. در نهایت، به واسطه آماره (۳/۹۲۵)، ساختار سرمایه مبتنی بر بدهی با حق الزحمه حسابرسی ارتباط مثبت و معناداری در سطح اطمینان ۹۹ درصد دارد. با توجه به نحوه تدوین فرضیه چهارم پژوهش می‌توان این‌گونه بیان کرد، ساختار سرمایه مبتنی بر بدهی یا به عبارتی دیگر، افزایش بدهی‌ها نسبت به حقوق صاحبان سهام و افزایش اعتباردهندگان نسبت به مالکان در شرکت، حق الزحمه حسابرسی را افزایش می‌دهد و فرضیه چهارم پژوهش نیز تأیید می‌گردد. از بین متغیرهای کنترلی پژوهش، تنها اندازه شرکت، نسبت مخارج سرمایه‌گذاری و نرخ بازده دارایی‌ها، با حق الزحمه حسابرسی ارتباط مثبت و معناداری دارند. به بیانی دیگر در شرکت‌های بزرگ و دارای مخارج سرمایه‌گذاری و نرخ بازده دارایی بالا، حق الزحمه حسابرسی افزایش می‌یابد.

جدول ۳. نتایج مدل پژوهش

متغیر	نماد	ضریب رگرسیون	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری	نتیجه
ثابت	C	۳/۹۷۸	۰/۹۵۵	۴/۱۶۶	۰/۰۰۰	-
قابلیت مقایسه صورت‌های مالی	COM_{it}	-۰/۰۰۷	۰/۰۰۳	-۲/۴۷۶	۰/۰۱۳	تأیید
محدودیت تأمین مالی	FC_{it}	۰/۰۸۲	۰/۰۱۷	۴/۶۹۳	۰/۰۰۰	تأیید
نگهداشت وجه نقد	$CASH_{it}$	۰/۲۰۰	۰/۰۷۱	۲/۸۴۰	۰/۰۰۵	تأیید
ساختار سرمایه مبتنی بر بدهی	LEV_{it}	۰/۱۰۸	۰/۰۲۷	۳/۹۲۵	۰/۰۰۰۱	تأیید
اندازه شرکت	$SIZE_{it}$	۰/۱۵۶	۰/۰۷۵	۲/۰۷۵	۰/۰۳۸	معنادار
فرصت رشد	$Q\ TOBIN_{it}$	۰/۱۱	۰/۰۶۵	۱/۶۸۴	۰/۰۹۲	غیر معنادار

متغیر	نماد	ضریب رگرسیون	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری	نتیجه
نسبت ارزش بارز به دفتری	MB_{it}	۰/۰۷	۰/۱۱	۰/۶۳۵	۰/۵۲۵	غیر معنادار
نسبت مخارج سرمایه‌گذاری	$CAPX_{it}$	۰/۲۹۸	۰/۰۴۷	۶/۳۵۳	۰/۰۰۰	معنادار
نرخ بازده دارایی‌ها	ROA_{it}	۰/۰۳۸	۰/۰۰۷	۵/۰۷۵	۰/۰۳۱	معنادار
زیان مالی شرکت	$LOSS_{it}$	-۰/۰۰۹	۰/۰۶۷	-۰/۱۴	۰/۸۸۸	غیر معنادار
ضریب تعیین		آماره F				
۰/۶۲۷		سطح معناداری مدل				
ضریب تعیین تعدیل شده		دوربین-واتسون				
۰/۵۵۳		(۲/۱۵۵)				

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

رسالت حسابرسی اعتباربخشی به گزارشگری مالی و اعتمادسازی برای استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی است و در مقابل، منافع اقتصادی حسابرس از طریق حق الزحمه تأمین می‌گردد. ویژگی‌های حسابرس و واحد مورد رسیدگی (صاحب‌کار)، تعیین‌کننده حق الزحمه حسابرسی هستند. ویژگی‌های صاحب‌کار می‌تواند از طریق تأثیر بر سه عامل توصیفی ریسک، حجم و پیچیدگی عملیات واحد مورد رسیدگی بر حق الزحمه حسابرسی تأثیرگذار باشد (دیتمار و همکاران، ۲۰۰۳؛ ازکان، ۲۰۰۴؛ لیسون و مورتال، ۲۰۰۹؛ حیب و همکاران، ۲۰۱۷؛ بنجامین و همکاران، ۲۰۱۵؛ بنجامین، ۲۰۱۹؛ رجیبی و محمدی، ۱۳۸۷؛ فروغی و قاسم‌زاد، ۱۳۹۵؛ رحیمی و همکاران، ۱۳۹۷؛ استاندارد بین‌المللی حسابرسی ۲۰۱۰). از طرفی، حسابرسان برای شرکت‌هایی که احتمال وجود مشکلات نمایندگی در آن‌ها زیاد است، دستمزد بالاتری به منظور پوشش ریسک در نظر می‌گیرند. لذا، در پژوهش حاضر از چهار متغیر قابلیت مقایسه صورت-

های مالی، محدودیت تأمین مالی، میزان نگهداشت وجه نقد و ساختار سرمایه مبتنی بر بدهی به‌عنوان ویژگی‌های صاحب‌کار استفاده و تأثیر این عوامل بر حق‌الزحمه حسابرسی در قالب چهار فرضیه سنجیده شد.

نتایج آزمون فرضیه اول نشان داد قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با حق‌الزحمه حسابرسی ارتباط منفی و معناداری دارد. با افزایش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی هزینه‌های کسب و بررسی اطلاعات و نیاز به انجام تعدیلات در اطلاعات کاهش می‌یابد (دی فرانکو و همکاران، ۲۰۱۱؛ کیم و همکاران، ۲۰۱۵؛ فروغی و قاسم‌زاد، ۱۳۹۵) و به‌طور معناداری منجر به کاهش حق‌الزحمه حسابرسی می‌شود. این نتیجه تا حدودی با پژوهش ژانگ (۲۰۱۸) همسو است.

نتایج آزمون فرضیه دوم حاکی از است که محدودیت تأمین مالی شرکت تأثیر مثبت و معنادار بر حق‌الزحمه حسابرسی دارد. محدودیت‌های تأمین مالی از دلایلی از قبیل محدودیت‌های اعتباری، عدم توانایی در گرفتن وام، عدم توانایی در انتشار سهام، اتکا به وام‌های بانکی و نقدشوندگی پایین دارایی‌ها ناشی می‌شود و شرکت‌ها را از تأمین منابع برای سرمایه‌گذاری‌های مطلوب باز می‌دارد (بنجامین، ۲۰۱۹). چنین قدرت بازدارندگی ریسک شرکت صاحب‌کار را بالا می‌برد و منجر به تلاش بیشتر حسابرس و در نهایت هزینه‌های حسابرسی بیشتر می‌شود. به عبارتی، حسابرسان مستقل با تأیید صورت‌های مالی، سبب افزایش اطمینان اعتباردهندگان و تأمین‌کنندگان برون‌سازمانی به صورت‌های مالی شرکت‌های محدود شده می‌شوند (هوپ و همکاران، ۲۰۱۱) و حسابرسان نیز به دلیل افزایش پیچیدگی و حجم کار در جهت کمک به حل مشکلات نمایندگی، عدم تقارن اطلاعات و در نهایت کاهش محدودیت‌های تأمین مالی می‌توانند حق‌الزحمه حسابرسی بیشتری از صاحب‌کار طلب نمایند (بنجامین، ۲۰۱۹). این یافته با نتایج پژوهش‌های گل و همکاران (۲۰۰۳)، لینک و همکاران (۲۰۱۳) و بنجامین (۲۰۱۹) همسو است.

همچنین، نتایج برازش فرضیه سوم پژوهش نشان داد که نگهداشت وجه نقد شرکت تأثیر مثبت و معنادار بر حق‌الزحمه حسابرسی دارد. وجوه نقد یا نقدینگی اساسی‌ترین قلم از دارایی‌ها است که اهمیت آن بر هیچ فردی پنهان نیست. به همین علت برای این قلم از دارایی‌ها کنترل‌های

خاص و اقدامات امنیتی خاصی انجام می‌شود (ثقفی و هاشمی، ۱۳۸۳؛ عظیمی و شاه‌محمدی، ۱۳۹۳). مدیران دسترسی لازم به این وجوه را دارند، و جوهی که از آورده‌ی سهامداران یا از اعتبار کنندگان تأمین شده است. لذا باید بررسی شود که این وجوه لازم چگونه توسط مدیران خرج شده و یا چه میزانی از آن نگه‌داری شده است. اینکه این نگهداری به چه دلیل صورت گرفته و اینکه چه مقدار پول خرج شده، نیاز به کار و شفافیت بالایی دارد که کلیه افراد ذینفع در شرکت‌ها خواستار روشن شدن این موضوع می‌باشند. لذا این موضوع باعث افزایش حجم کار حسابرس شده و چنین نیازی با حق‌الزحمه بیشتر مرتفع می‌شود. نتیجه آزمون فرضیه فوق با پژوهش‌های بنجامین و همکاران (۲۰۱۵)، گلیسون و همکاران (۲۰۱۵)، موسوی و داروغه‌حضرتی (۱۳۹۰) و واعظ و همکاران (۱۳۹۷) مطابقت دارد.

در نهایت نیز طبق فرضیه چهارم مشخص گردید که ساختار سرمایه مبتنی بر بدهی با حق‌الزحمه حسابرسی ارتباط مثبت و معناداری دارد. هر چقدر نسبت ساختار سرمایه مبتنی بر بدهی بیشتر شود نشان از کنترل بیشتر اعتباردهندگان و تأمین‌کنندگان برون‌سازمانی نسبت به مالکان می‌باشد. لذا، با افزایش این نسبت افراد برون‌سازمانی خواستار نوعی شفافیت و دقت بیشتر و جدیت کار حسابرسی شده و این، عاملی برای افزایش حق‌الزحمه حسابرسان نسبت به سایر شرکت‌ها با نسبت ساختار سرمایه پایین‌تر است. با توجه به تضاد منافی که بین مدیران و افراد برون‌سازمانی که منافی در شرکت دارند به وجود می‌آید، این امکان وجود دارد که مدیران از منابع آن‌ها به نفع خود استفاده کرده و منابع آن‌ها را از بین ببرند. لذا با توجه به وجود این تضاد منافع شاهد افزایش هزینه‌های نمایندگی خواهیم بود که یکی از آن‌ها هزینه حسابرس مستقل می‌باشد. نتیجه آزمون فرضیه فوق با نتایج پژوهش ملکیان و همکاران (۱۳۹۴) و بنجامین (۲۰۱۹) مطابقت دارد.

از بین متغیرهای کنترلی پژوهش، تنها اندازه شرکت، نسبت مخارج سرمایه‌گذاری و نرخ بازده دارایی‌ها، با حق‌الزحمه حسابرسی ارتباط مثبت و معناداری دارند. به بیانی دیگر در شرکت‌های بزرگ و دارای مخارج سرمایه‌گذاری و نرخ بازده دارایی بالا، حق‌الزحمه حسابرسی افزایش

می‌یابد. همان‌طور که تسوی^۱ و همکاران (۲۰۰۱)، گریفین و همکاران (۲۰۱۰) و بنجامین (۲۰۱۹) معتقدند اندازه شرکت و فرصت‌های سرمایه‌گذاری بر حق‌الزحمه حسابرسی تأثیرگذار است.

پیشنادهای کاربردی پژوهش

- با توجه به آشکار شدن تأثیر منفی قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر حق‌الزحمه حسابرسی پیشنهاد می‌گردد که مدیران مالی شرکت‌ها در تهیه صورت‌های مالی به قابلیت مقایسه آن‌ها توجه بیشتری نمایند؛ زیرا چنین ویژگی در صورت‌های مالی هزینه‌های بالای حسابرسی را کاهش می‌دهد.
- بر اساس مشخص شدن تأثیر مثبت محدودیت تأمین مالی بر حق‌الزحمه حسابرسی، به مدیریت شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود با کاهش محدودیت‌ها و افزایش نقدشوندگی دارایی‌های تحت اختیار، از طلب هزینه بهره بالاتر توسط اعتباردهندگان جلوگیری و تضاد منافع و به تبع آن ریسک و حجم حسابرسی را کاهش دهند؛ زیرا کاهش چنین ریسکی، کاهش هزینه‌های حسابرسی را در بر خواهد داشت.
- از آن‌جا که نگهداشت وجه نقد منجر به تغییر ریسک، پیچیدگی و حجم کار حساب‌سازان و در نتیجه افزایش حق‌الزحمه حسابرسی می‌شود؛ پیشنهاد می‌گردد که مدیریت در دوران رشد اقتصادی شرکت، ذخایر نقدی را در پروژه‌های با ارزش فعلی خالص مثبت سرمایه‌گذاری کنند و به تبع آن علاوه بر افزایش ارزش و بازدهی شرکت، هزینه‌های حسابرسی را نیز کاهش دهند.
- همان‌طور که مشخص گردید اگر شرکت‌ها منابع برون‌سازمانی را به منابع مالکان ترجیح دهند و از آن‌ها بیشتر استفاده کنند، نه تنها ریسک شرکت نسبت به پرداخت تعهدات را افزایش می‌دهند بلکه تضاد منافع ناشی از مدیر و افراد برون‌سازمانی نیز افزایش و حجم کار حسابرسی برای رفع این تضاد و به تبع آن حق‌الزحمه آن نیز افزایش می‌یابد؛ بنابراین، به مدیران شرکت پیشنهاد می‌گردد تا با تعیین بهینه ساختار سرمایه ریسک شرکت را

1. Tsui

کاهش و هزینه‌های نمایندگی و حق‌الزحمه حسابرسی را نیز کاهش دهند.

پیشنهادها برای پژوهش‌های آتی

- بررسی تأثیر سایر ویژگی‌های صاحب‌کار همچون ویژگی‌های حکمرانی قوی از جمله کمیته حسابرسی، واحد حسابرسی داخلی، ساختار هیئت‌مدیره و... بر حق‌الزحمه حسابرسی.
- بررسی تأثیر ساختار مالکیت خارجی و خانوادگی بر حق‌الزحمه حسابرسی.
- در این تحقیق برخی متغیرهای کنترلی نظیر اندازه شرکت، نسبت مخارج سرمایه‌گذاری و نرخ بازده دارایی‌ها و... در نظر گرفته شدند. پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی متغیرهای دیگری نظیر نوع صنعت، ویژگی‌های حسابرسی و... نیز کنترل شوند.
- بررسی مجدد این موضوع در شرکت‌های سرمایه‌گذاری، هلدینگ، بانک‌ها، بیمه‌ها و لیزینگ‌ها و انجام بررسی‌های مشابه در دوره زمانی ۱۰ الی ۱۵ سال.
- استفاده از شاخص‌های دیگر جهت اندازه‌گیری قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، محدودیت تأمین مالی، نگهداشت وجه نقد نظیر (سطح و جوه نقد عملیاتی یا جوه نقدی که به تنهایی در ترازنامه منعکس می‌شود) و ساختار سرمایه نظیر (الگوها و مدل‌های موجود که بر اساس شرایط ایران بومی‌سازی شده‌اند) و مقایسه با نتایج این پژوهش.
- در این پژوهش برای اندازه‌گیری قابلیت مقایسه از مفهوم «امکان مقایسه اطلاعات یک واحد تجاری با واحدهای دیگر» استفاده شده است. پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی از مفهوم «امکان مقایسه اطلاعات یک واحد تجاری در دوره و مقاطع زمانی دیگر» استفاده شود.

محدودیت‌های پژوهش

- عدم افشای کامل اطلاعات مربوط به حق‌الزحمه حسابرسان توسط همه شرکت‌ها، محدودیت ذاتی این پژوهش به شمار می‌آید؛ زیرا به‌خودی‌خود، سبب کاهش حجم

- نمونه موردبررسی شده است.
- از آنجا که اجزای لازم در اندازه‌گیری متغیر اهرم مالی عمدتاً بر مبنای بهای تمام شده تاریخی، گزارش شده و شرایط تورمی نادیده گرفته می‌شوند، ممکن است با لحاظ کردن وضعیت به‌روز شده شرکت‌ها منطبق با شرایط فعلی اقتصاد، نتایج متفاوتی نسبت به نتایج پژوهش حاضر، حاصل شود.
 - دوره زمانی پژوهش (سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸) شامل دوره‌های فرعی است که هر یک شرایط خاص خود را داشتند. رشد قابل ملاحظه نرخ دلار در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ منجر به افزایش چشمگیر سرمایه‌گذاری‌های داخلی شرکت‌ها و تبدیل ریال به دارایی‌های غیر و بالتبع کاهش نگهداشت وجه نقد شرکت‌ها شد. درحالی‌که سال‌های قبل و بعدازاین دوره رشد قابل ملاحظه‌ای در دلار رخ نداده است. تجمیع این دوره‌ها در قالب یک پژوهش واحد، می‌تواند منجر به تورش نتایج به سمت وسوی خاصی گردد و در نتیجه، نتوان یافته‌های پژوهش را به هرگونه دوره زمانی، تعمیم داد.
 - در پژوهش حاضر مدل‌های مربوط به قابلیت مقایسه با استفاده از داده‌های دوره زمانی نسبتاً کوتاه (۱۶ فصل قبل) برآورد شد. اگرچه با استفاده از تکنیک داده‌های تابلویی، مشکلات احتمالی مربوط به این موضوع تا حد زیادی مرتفع گردید اما استفاده از دوره زمانی طولانی‌تر می‌تواند نتایج تحقیق را تحت تأثیر قرار دهد.

منابع

- افشار زیدآبادی، فاطمه، علی‌نژاد ساروکلائی، مهدی و وزیدآبادی، مرضیه (۱۳۹۴). بررسی تأثیر ویژگی‌های حسابرسان و مالکیت مدیریتی بر سطح نگهداشت وجه نقد. *پیشرفت‌های حسابداری*، ۷(۲)، ۱-۳۲.
- بادآور نهندي، یونس، درخور، سعید (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین محدودیت مالی، ارزش وجه نقد و خالص سرمایه‌گذاری. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۳(۲)، ۱۸۹-۱۶۷.
- تهرانی، رضا، حصارزاده، رضا (۱۳۸۸). تأثیر جریان‌های نقدی آزاد و محدودیت در تأمین مالی بر بیش سرمایه‌گذاری و کم سرمایه‌گذاری. *تحقیقات حسابداری*، ۱(۳)، ۶۷-۵۰.

- تهرانی، رضا و آبی، صحبت‌اله (۱۳۸۸). بررسی ارتباط بین عملکرد و بازده پرتفلیو شرکت‌های سرمایه‌گذاری با رتبه نقدشوندگی، نسبت‌های سودآوری و سود تقسیمی آن‌ها در بورس اوراق بهادار تهران. *تحقیقات مالی*، ۱۱(۲۷)، ۲۳-۴.
- ثقفی، علی و هاشمی، سید عباس (۱۳۸۳). بررسی تحلیلی رابطه بین جریان‌های نقدی عملیاتی و اقلام تعهدی، ارائه مدل برای پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی. *فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۱۱(۴)، ۲۹-۵۲.
- چراغعلی، مهناز (۱۳۹۵). *تأثیر محدودیت مالی و راهبری هیئت‌مدیره بر سطح نگهداشت وجه نقد در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- حقیقت، حمید، حیدری، هادی (۱۳۹۲). حساسیت جریان نقدی نامتقارن به وجه نقد نگهداری شده. *فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ش ۴۰، ۵۱-۲۷.
- خواجوی، شکرالله، صالحی نیا، محسن (۱۳۹۴). محدودیت‌های تأمین مالی و رشد شرکت (مطالعه موردی: بورس اوراق بهادار تهران). *فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی*، ش ۲۵، ۴۸-۲۹.
- درخشی، رضا، بادآور نهندی، یونس و برادران حسن‌زاده، رسول (۱۳۹۴). تأثیر ساختار مالکیت و ساختار مالی بر حق‌الزحمه حسابرسی. *دانش حسابرسی*، ۱۵(۶۰)، ۹۳-۱۱۳.
- رجبی، روح‌الله، محمدی خشویی، حمزه (۱۳۸۷). هزینه‌های نمایندگی و قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی مستقل. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۱۵(۵۳)، ۵۲-۳۵.
- رحیمی، محمدمهدی، برزگری خانقاه، جمال و اللهیاری، رضا (۱۳۹۷). مروری بر مبانی نظری حق‌الزحمه حسابرسی. *پژوهش در حسابداری و علوم اقتصادی*، ۲(۴)، ۴۳-۵۰.
- رهنمای رودپشتی، فریدون، وکیلی‌فرد، حمیدرضا، لک، فضل‌الله و محسنی، عبدالرضا (۱۳۹۴). سبک حسابرس و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی. *فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت*، ۲۵، ۲۹-۴۷.
- سپاسی، سحر، حسنی، حسن و سلمانیان، لیدا (۱۳۹۶). مدیریت سرمایه در گردش، عملکرد مالی و محدودیت‌های تأمین مالی: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران. *فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت دارایی و تأمین مالی*، ش ۴، ۱۱۶-۹۹.
- سجادی، حسین، فرازمنند، حسن و بنی‌نعمه، آناهیتا (۱۳۹۵). تأثیر کیفیت حسابرسی بر خدمات غیرحسابرسی، *دانش حسابرسی*، ۱۶(۶۵): ۲۵-۴۶.
- سجادی، سید حسین، زارعی، رضا (۱۳۸۶). تأثیر ویژگی‌های موسسه حسابرسی و صاحب‌کار بر حق‌الزحمه حسابرسی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۱۴(۴۹)، ۶۷-۹۰.

- سعیدی، نسرين، علی‌خانی، رضیه (۱۳۹۸). تأثیر ویژگی‌های موسسه حسابرسی بر حق‌الزحمه حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دومین همایش سراسری علم و فناوری هزاره سوم اقتصاد، مدیریت و حسابداری ایران، تهران.
- سیفی کمارسغلی، اصغر (۱۳۹۵). رابطه بین محدودیت‌های مالی و هزینه سرمایه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد حسابداری)، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- صالحی، الله کرم، بقایی نژاد، سارا (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین ارزش‌گذاری بیش‌ازحد حقوق صاحبان سهام و حق‌الزحمه حسابرسی. اولین همایش بین‌المللی حسابداری، حسابرسی مدیریت و اقتصاد.
- صالحی، مهدی، صحت، محسن و مقدس نوقایی، مجتبی (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین فرصت‌های سرمایه‌گذاری حسابرس برای مشتریان و حق‌الزحمه حسابرسان متخصص صنعت و غیرمتخصص. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۵(۱۷)، ۱۳۵-۱۴۵.
- طالب‌نیا، قدرت‌الله، مهدوی، مریم (۱۳۹۴). بررسی اثر اعتبار تجاری و عمق مالی بر میزان نگهداشت وجه نقد. فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۱۳، ۵۳-۴۱.
- عبادی خورده بلاغ، بهروز و نظری، رضا (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی تغییرات حق‌الزحمه خدمات حسابرسی و اظهارنظر حسابرس در بخش خصوصی و غیرخصوصی. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۳(۱۲)، ۷۵-۸۶.
- عظیمی یانچشمه، مجید، شاه‌محمدی قهساره، سمیه (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین نگهداشت وجه نقد و سهم بازار با استفاده از مدل پویا در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۴، ۷۲-۵۵.
- علوی طبری، سید حسین، رباط میلی، مژگان و یوسفی اصل، فرزانه (۱۳۹۱). مسئله نمایندگی و قیمت‌گذاری خدمات، حسابرسی مستقل آزمون مبتنی بر فرضیه جریان‌های نقدی آزاد. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۹(۲)، ۹۷-۱۲۲.
- علوی طبری، سید حسین (۱۳۸۲). رابطه بین مخارج صرف شده برای حسابرسی داخلی با حق‌الزحمه حسابرسی مستقل (رساله دکتری حسابداری)، دانشگاه علامه طباطبایی.
- فرج‌زاده دهکردی، حسن، حیدری، ناهید (۱۳۹۶). بررسی رابطه توانایی مدیریت با حق‌الزحمه و اظهارنظر حسابرسی پیرامون تداوم فعالیت. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۶(۳)، ۲۲۱-۲۳۹.
- فرمان‌آرا، وحید (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین اطلاعات نامتقارن و اختیارات مدیریتی با تأمین مالی و سرمایه‌گذاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. اقتصاد مالی، ۱۲(۴۳)، ۲۰۹-۲۳۲.

- فروغی، داریوش، قاسم‌زاد، پیمان (۱۳۹۵). تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر همزمانی قیمت سهام. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۱(۲۷)، ۳۹-۵۴.
- فروغی، داریوش، امیری، هادی و فرزادی، سعید (۱۳۹۵). بررسی تأثیر سازوکارهای نظارتی سهامداران نهادی بر رابطه جریان‌های نقدی و تغییرات سطح نگهداشت وجه نقد شرکت‌های بورس اوراق بهادار. *دانش حسابداری*، ۱۶(۶۲)، ۶۳-۷۸.
- کمیته تدوین سازمان حسابداری (۱۳۹۲). *استانداردهای حسابداری* (نشریه ۱۶۰) (چاپ ۲۳). تهران: انتشارات سازمان حسابداری.
- کنعانی امیری، منصور (۱۳۸۶). بررسی رابطه بین محدودیت های مالی و بازده سهام در بازار سرمایه ایران. *دانشور رفتار*، ۱۴(۲۶)، (ویژه مقالات مدیریت ۹)، ۱۷-۳۰.
- ملکیان، اسفندیار، احمدپور، احمد و طالب پور آهنگر، میثم (۱۳۹۴). بررسی رابطه برخی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر حق‌الزحمه حسابداری و میزان مالکیت شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۱۴، ۳۷-۵۰.
- موسوی، سید علیرضا، داروغه حضرتی، فاطمه (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین جریان نقد آزاد و حق‌الزحمه حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *مجله علمی و پژوهشی حسابداری*، ۳(۱۰)، ۱۴۱-۱۷۳.
- مهدوی، غلامحسین، دهقانی، علی اصغر (۱۳۹۵). نقش میانجی‌گری تأخیر غیرعادی در ارائه گزارش حسابداری در تبیین رابطه بین کیفیت سود و ارزش شرکت. *مجله علمی پژوهشی دانش حسابداری*، ۷(۲۶)، ۱۰۷-۱۳۰.
- مهرانی، ساسان و جمشیدی ایوانکی، کوروش (۱۳۹۰). عوامل مؤثر بر تعیین حق‌الزحمه حسابداری. *ماهنامه حسابداری رسمی*، ۱(۱۳)، ۷۸-۶۰.
- مهرورز، فاطمه (۱۳۹۳). رابطه بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با آگاهی بخشی قیمت سهام در خصوص سودهای آتی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد حسابداری)، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی تهران.
- مهرورز، فاطمه، مرفوع، محمد (۱۳۹۵). رابطه بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با آگاهی بخشی قیمت سهام در خصوص سودهای آتی. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ش ۴۹، ۱۱۰-۸۳.
- نیکبخت، محمدرضا، تنانی، محسن (۱۳۸۹). آزمون عوامل مؤثر بر حق‌الزحمه حسابداری صورت‌های مالی. *مجله پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۲(۴)، ۱۱۱-۱۳۲.
- واعظ، سیدعلی، منتظرحجت، امیرحسین و خسروی، ناصر (۱۳۹۷). بررسی تأثیر نگهداشت وجه نقد بر حق‌الزحمه حسابداری در شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی‌های حسابداری*، ۵(۱۸)، ۱۰۷-۱۲۲.

- واعظ، سید علی، رمضان احمدی، محمد و رشیدی باغی، محسن (۱۳۹۳). تأثیر کیفیت حسابرسی بر حق الزحمه حسابرسی شرکت‌ها. *دانش حسابداری مالی*، ۱(۱)، ۸۷-۱۰۷.
- یزدان‌پناه، احمد، عباسی‌پشتهانی، زهرا (۱۳۸۸). پیش‌بینی منابع نقدینگی بانک‌ها (مطالعه موردی بانک اقتصاد نوین). *دانش مالی تحلیل اوراق بهادار*، ۲(۲)، ۲۸-۱.
- Almeida, H, Campello, M, & Weisbach, M. S. (2004). The cash flow sensitivity of cash. *The Journal of Finance*, 59(4), 1777-1804.
- Ammann, M, Oesch, D. and Schmid, M. (2011). Cash holdings and corporate governance around the world. Working paper, Stern Business School, New York.
- Bates, T.W, Kathleen, K.M. & Stulz, R. M. (2009). Why do U.S. firms hold so much more cash?. *Journal of Finance*, 64(5), 1985-2021.
- Becker, C. L, DeFond, M. L, Jiambalvo, J. & Subramanyam, K. R. (1998). The effect of audit quality on earnings management. *Contemporary Accounting Research*, 15(1), 1-24.
- Benjamin, S. J. (2019). The Effect of Financial Constraints on Audit Fees. *Capital Markets Review*, Vol. 27, No. 2, pp. 59-87.
- Benjamin, S.J., Ramachandran, J., Marathamuthu, S.M., & Mohamed, Z.B. (2015). Cash Holdings and Their Impact on Audit Fees. *Corporate Finance: Capital Structure & Payout Policies eJournal*.
- Biswas, S. (2021). Do Audit Fees Adjust Quickly?—Evidence from India. *Global Business Review*, 22(5), 1301-1318.
- Cahan, S. F, Godfrey, J. M, Hamilton, J, & Jeter, D. C. (2008). Auditor specialization, auditor dominance, and audit fees: The role of investment opportunities. *The Accounting Review*, 83(6), 1393-1423.
- Campbell, J. L, Dhaliwal, D. S. & Schwartz, W. C. (2012). Financing constraints and the cost of capital: Evidence from the funding of corporate pension plans. *Review of Financial Studies*, 25(3), 868-912.
- Chang, H, Guo, Y, & Mo, P. L. L. (2018). Market competition, audit fee stickiness, and audit quality: Evidence from China. *Auditing. A Journal of Practice & Theory*, 38(2), 79-99.
- Chen, J. J. (2004). Determinants of capital structure of Chinese-listed companies. *Journal of Business research*, 57(12), 1341-1351.
- Cho, M, Kwon, S. Y, & Krishnan, G. V. (2021). Audit fee lowballing: Determinants, recovery, and future audit quality. *Journal of Accounting and Public Policy*, 40(4), 106787.
- Cox, J.D. (2003). Managing and Monitoring Conflicts of Interest: Empowering the Outside Directors with Independent Counsel. *Villanova law review*, 48, 1077.
- Cuadrado-Ballesteros, B, Martinez-Ferrero, J. & Garcia-Sanchez, I.M. (2017). Mitigating information asymmetry through sustainability assurance: The role of accountants and levels of assurance. *International Business Review*, 26(6), 1141-1156.
- Davis, G. F, & Thompson, T. A. (1994). A social movement perspective on corporate control. *Administrative science quarterly*, 141-173.
- De Franco, G., Kothari, S.P., & Verdi, R.S. (2011). The Benefits of Financial Statement Comparability. *Behavioral & Experimental Accounting*.
- DeAngelo, L. (1981). Auditor Size and Audit Quality, *Journal of Accounting and Economics*,

- 3(3), 183-199.
- DeFond, M, & Zhang, J. (2014). A review of archival auditing research. *Journal of accounting and economics*, 58(2-3), 275-326.
- Dewi, N.P., Febriyanti, N.L., & Rustiarini, N.W. (2021). Audit Opinion and Audit Characteristic: Study of Voluntary Auditor Switching. *EQUITY*.
- Dittmar, A, Mahrt-Smith, J, and Servaes, H. (2003). International Corporate Governance and Corporate Cash Holdings. *The Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 38 (1),111-131.
- Dongmei, L. (2006). Financial Constraints, R&D Investment, and Stock Returns: Theory and Evidence. Working Paper. The Wharton School, University of Pennsylvania.
- Douglas, A. V. (2002). Capital structure and the control of managerial incentives. *Journal of Corporate Finance*, 8(4), 287-311.
- Financial Accounting Standards Board (FASB). (2010). Statement of Financial Accounting Concepts No. 8: Conceptual Framework for Financial Reporting.
- Gleason, K. C, Greiner, A. J. & Kannan, Y. H. (2015). Auditor pricing of excess cash holdings. *Journal of Accounting, Auditing and Finance*, 32(3), 423-443.
- Griffin, P. A, Lont, D. H, & Sun, Y. (2010). Agency problems and audit fees: further tests of the free cash flow hypothesis. *Accounting & Finance*, 50(2), 321-350.
- Gul, F. A, Chen, C. J. P, & Tsui, J. S. L. (2003). Discretionary accounting accruals, managers' incentives, and audit fees. *Contemporary Accounting Research*, 20(3), 441-464.
- Habib, A, Hasan, M. M, & Al-Hadi, A. (2017). Financial statement comparability and corporate cash holdings. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 13(3), 304-321.
- Harford, J, Mansi, S. A, & Maxwell, W. F. (2008). Corporate governance and firm cash holdings in the US. *Journal of financial economics*, 87(3), 535-555.
- Hauswald, R, & Marquez, R. (2006). Competition and strategic information acquisition in credit markets. *The Review of Financial Studies*, 19(3), 967-1000.
- Hay, D. C, Knechel, W. R, & Wong, N. (2006). Audit fees: A meta-analysis of the effect of supply and demand attributes. *Contemporary Accounting Research*, 23(1), 141-191.
- Hope, O-K, Thomas, W, & Vyas, D. (2011). Financial credibility, ownership, and financing constraints in private firms. *Journal of International Business Studies*, 42, 935-957.
- Horton, J, Serafeim, G, & Serafeim, I. (2013). Does mandatory IFRS adoption improve the information environment. *Contemporary Accounting Research*, 30(1), 388-423.
- Hovakimian, G. (2011). Financial constraints and investment efficiency: Internal capital allocation across the business cycle. *Journal of Financial Intermediation*, 20(2), 264-283.
- Huang, A. G, & Sun, K. J. (2019). Equity financing restrictions and the asset growth effect: International vs. Asian evidence. *Pacific-Basin Finance Journal*, 57, 101053.
- IAS 2110: Identifying and Assessing Risks of Material Misstatement. (As Amended for FYE 12/15/2020 and After).
- International Accounting Standards Board (IASB). (2010). Conceptual Framework for Financial Reporting.
- Jensen, Michael C, and William Meckling. H. (1976). Agency Costs and the Theory of the Firm. *Journal of financial economics*, 3(4), 305-360.

- Kadapakkam, P.R., Kumar, P.C., & Riddick, L.A. (1998). The impact of cash flows and firm size on investment: The international evidence. *Journal of Banking and Finance*, 22, 293-320.
- Kaplan, S., & Zingales, L. (1997). Do financing constraints explain why investment is correlated with cash flow? *Quarterly Journal of Economics*, 112: 169-215.
- Kim, J.B., Lee, J.J. and Park, J.C. (2015). Audit quality and the market value of cash holdings: the case of office-level auditor industry specialization. *Auditing: A Journal of Theory & Practice*, 34 (2): 27-57.
- Kim, S., Kraft, P., & Ryan, S.G. (2013). Financial statement comparability and credit risk. *Review of Accounting Studies*, 18, 783-823.
- Lang, M., Maffett, M., & Owens, E.L. (2010). Earnings Comovement and Accounting Comparability: The Effects of Mandatory IFRS Adoption. *Corporate Governance & Accounting eJournal*.
- Linck, J. S., Netter, J. & Shu, T. (2013). Can managers use discretionary accruals to ease financial constraints? Evidence from discretionary accruals prior to investment. *The Accounting Review*, 88(6), 2117-2143.
- Lipson, M. L., & Mortal, S. (2009). Liquidity and capital structure. *Journal of financial markets*, 12(4), 611-644.
- Menon, K., & Williams, D. D. (2001). Long term trends in audit fees, *Auditing a Journal of Practice and Theory*, Vol. 20, No 1, p 115-136.
- Myers, S. & Majluf, N. (1984). Corporate financing and investment decisions when firms have information that investors do not have. *Journal Finance Economic*, 13, 187-221.
- Naser, K., & Hassan, Y. M. (2016). Factors influencing external audit fees of companies listed on Dubai Financial Market. *International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management*, 9(3), 346-363.
- Okolie, A. O. (2014). Audit quality and earnings response coefficients of quoted companies in Nigeria. *Journal of Applied Finance and Banking*, 4(2), 139.
- Ozkan, A., & Ozkan, N. (2004). Corporate Cash Holdings: an Empirical Investigation of UK Companies. *Journal of Banking and Finance*, 28, 2103-2134.
- Palmrose, Z.-V. (1988). 1987 Competitive Manuscript Co-Winner: An Analysis of Auditor Litigation and Audit Service Quality. *The Accounting Review*, 63(1), 55-73.
- Peterson, K., Schmardebeck, R., & Wilks, T.J. (2015). The Earnings Quality and Information Processing Effects of Accounting Consistency. *The Accounting Review*, 90, 2483-2514.
- Salehi, M., Komeili, F., & Daemi Gah, A. (2019). The impact of financial crisis on audit quality and audit fee stickiness: evidence from Iran. *Journal of Financial Reporting and Accounting*.
- Simunic, D.A. (1980). The Pricing Of Audit Services - Theory And Evidence. *Journal of Accounting Research*, 18, 161-190.
- Sunder, S. (1997). *Theory of Accounting & Control*. USA, Cincinnati. Ohio: South-Western College Publishing.
- Tsui, J. S, Jaggi, B, & Gul, F. A. (2001). CEO domination, growth opportunities, and their impact on audit fees. *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 16(3), 189-208.
- Wang, L, Chen, X, Li, X, & Tian, G. (2021). MD&A readability, auditor characteristics, and audit fees. *Accounting & Finance*.

- Watts, R. & Zimmerman, J. (1986). *Positive accounting theory*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
- Whited, T. M, & Wu, G. (2006). Financial constraints risk. *The Review of Financial Studies*, 19(2), 531-559.
- Xingze, W. (2016). Corporate governance and audit fees: Evidence from companies listed on the shanghai stock Exchange. *Journal of Financial Economics*, 10, 34-45.
- Zhang, J. H. (2018). Accounting comparability, audit effort, and audit outcomes. *Contemporary Accounting Research*, 35(1), 245-276.